

بررسی اجمالی وضعیت  
بیمه محصولات کشاورزی در ایران  
(چالش‌ها و راهکارها)

کد موضوعی: ۲۵۰

شماره مسلسل: ۱۲۷۶۸

دی‌ماه ۱۳۹۱

دفتر: مطالعات زیربنایی

## به نام خدا

### فهرست مطالب

۱	چکیده
۱	مقدمه
۳	اهمیت بیمه کشاورزی
۳	معرفی صندوق بیمه محصولات کشاورزی
۶	فرآیند بیمه‌پذیری محصولات کشاورزی
۷	روش‌های اجرایی بیمه محصولات کشاورزی
۹	ظرفیت‌های ایجاد شده برای بیمه محصولات کشاورزی در کشور
۱۰	برخی از شاخص‌های توسعه بیمه محصولات کشاورزی در ده سال اخیر
۱۰	عملکرد صندوق بیمه محصولات کشاورزی طی سال‌های اخیر
۱۱	وضعیت تأمین منابع مالی صندوق بیمه محصولات کشاورزی در سال‌های اخیر
۱۲	تجربه کشورهای پیشرو در مدیریت ریسک کشاورزی با تأکید بر نقش بیمه
۱۵	بررسی وضع موجود بیمه کشاورزی در ایران
۱۷	چالش‌های فراروی بیمه کشاورزی در ایران
۳۶	جمع‌بندی
۳۸	پیشنهادها
۳۹	منابع و مأخذ



## بررسی اجمالی وضعیت بیمه محصولات کشاورزی در ایران (چالش‌ها و راهکارها)

### چکیده

در این گزارش سعی شده از وضعیت فعلی بیمه کشاورزی ایران و چالش‌های فراروی آن تصویر جامعی ارائه شود، لذا موانع و مشکلات موجود در سه بُعد ساختاری، رفتاری و زمینه‌ای که برآیند تعامل، تأثیرگذاری و تأثیرپذیری سه حوزه مذکور هستند، احصا و معرفی شدند.

بررسی‌ها نشان می‌دهد مهمترین چالش‌ها و موانع در بیمه محصولات کشاورزی کشور عبارتند از: محدودیت‌های اعتباری و حقوقی، افزایش میزان خسارت‌های وارده، عدم مشارکت بخش خصوصی، نبود اطلاعات دقیق برای محاسبات فنی، محدودیت در ورود به بازارهای جدید، نبود استانداردهای تولید و مخاطرات اخلاقی.

بررسی‌ها نشان می‌دهد در بازتعریف مأموریت، اهداف و حدود عملیات صندوق بیمه جهت نیل به شرایط مطلوب موارد زیر باید در نظر گرفته شوند: ترکیب بهینه‌ای از ارائه بیمه محصول، بیمه عوامل تولید، سرمایه‌گذاری‌ها، ابنیه، تأسیسات و...، ترکیب بهینه‌ای از ارائه بیمه برمبنای عملکرد فردی و بیمه برمبنای عملکرد گروهی و منطقه‌ای، بیمه اختیاری و اعمال بیمه اجباری در محصولات استراتژیک و یا وابسته به اعتبارات، حضور فعال بیمه خصوصی (مشارکت بخش خصوصی) همراه با بیمه دولتی، بیمه تولید و بیمه درآمد، تفکیک نقش حاکمیتی از نقش تصدیگری در عرصه بیمه کشاورزی، استانداردسازی ارزیابی خسارت و بهره‌گیری از فناوری‌های جدید، متنوع‌سازی منابع مالی، بهره‌گیری از سازوکار مناسب بیمه اتکایی و بهره‌گیری از ساختار تشکیلاتی مستقل.

### مقدمه

بخش کشاورزی در میان بخش‌های اقتصادی، به دلیل داشتن نقش تأمین غذا و امنیت غذایی بر پایه منابع داخلی و همچنین حفاظت از منابع پایه تولید، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

در دو دهه اخیر، برنامه‌ریزی برای بهره‌برداری مناسب از منابع و پتانسیل‌های بالقوه این بخش و به‌کارگیری سیاست‌های حمایتی، موجب بهبود وضعیت تولید و شکوفایی بخش کشاورزی در اقتصاد کشور شده است، به طوری که درحال حاضر بالغ بر ۸۰ درصد مواد غذایی مورد نیاز مردم و بخشی از مواد خام مورد نیاز صنایع در این بخش تأمین می‌شود. از طرفی افزایش تولیدات

کشاورزی به نوبه خود موجب افزایش روند صادرات شده و سهم چشمگیری از صادرات غیرنفتی مربوط به محصولات کشاورزی است. بنابراین توسعه و ارتقای بهره‌وری در بخش کشاورزی ضرورت کامل دارد و این مهم، مستلزم وارد کردن فناوری مناسب و ایجاد زمینه لازم از حیث سرمایه‌گذاری است. سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی به دلیل ماهیت خطرپذیری ناشی از بی‌ثباتی طبیعت و قطعیت نداشتن شرایط جوی، نیازمند امنیت و تضمین در برابر ریسک‌های موجود است، لذا استفاده از ابزار «بیمه» به منظور کم کردن ریسک از طریق توزیع آن در میان بهره‌برداران، جایگاه خاص و اهمیت فراوانی پیدا می‌کند. با عنایت به نقش بیمه در تضمین سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی و کمک به استمرار تولید کشاورزی در کشور، تقویت و توسعه نظام بیمه کشاورزی به عنوان پشتیبان تولیدکنندگان برای مقابله با عوامل تهدیدکننده قهری و طبیعی، از ضرورت‌های اساسی به‌شمار می‌رود.

در کشور ما صندوق بیمه محصولات کشاورزی تنها نهادی است که به‌عنوان مجری سیاست مدیریت ریسک در بخش کشاورزی، اجرای برنامه بیمه محصولات کشاورزی را از سال ۱۳۶۳ به صورت ضابطه‌مند و در کنار سایر ابزارهای حمایتی عهده‌دار شده است و در حال حاضر، ۹۶ محصول و فعالیت مختلف و ۱/۸ میلیون بهره‌بردار را تحت پوشش خدمات حمایتی خود قرار داده است. هدف این صندوق انجام بیمه انواع محصولات کشاورزی، درختان، دام، طیور، زنبور عسل، کرم ابریشم و آبزیان پرورشی در مقابل خسارت‌های ناشی از سوانح طبیعی و حوادث قهری نظیر تگرگ، طوفان، بادهای گرم موسمی، خشکسالی، زلزله، سیل، سرمازدگی، یخبندان، آتش‌سوزی، صاعقه، آفات و امراض نباتی عمومی و قرنطینه‌ای و امراض واگیر حیوانی عمومی و قرنطینه‌ای و همچنین ابنیه، تأسیسات، مستحذات، قنوات و چاه‌های آب کشاورزی و تأسیسات آبیاری، فعالیت‌ها و کلیه خدمات کشاورزی و عوامل تولید (ماشین‌آلات، ابزار و ادوات کشاورزی)، به‌عنوان وسیله‌ای برای نیل به اهداف و سیاست‌های بخش کشاورزی، در بانک کشاورزی تأسیس شده است.

بررسی و تحلیل نقاط ضعف و قوت داخلی در صنعت بیمه و تهدیدات و فرصت‌های محیطی این صنعت ما را به راهبردها و استراتژی‌هایی هدایت می‌کند، لذا این گزارش سعی دارد با بررسی سازوکار، وظایف و تعهدات صندوق مذکور به آسیب‌شناسی مشکلات بپردازد و در نهایت راهکار مناسبی را ارائه کند.



## اهمیت بیمه کشاورزی

بیمه محصولات کشاورزی در تعدادی از کشورهای در حال توسعه سازوکاری برای کاهش بی‌ثباتی درآمد تولیدکنندگان بخش کشاورزی، از طریق کاهش ریسک تولید و عملکرد است. بخش کشاورزی به علت نوسان‌های جوی برخلاف بخش صنعتی، همیشه زمینه فعالیت پرخطری محسوب می‌شود. کشاورزان برای کنترل و پایین آوردن ریسک این بخش همواره تلاش می‌کنند، اما به‌رغم این تلاش‌های گسترده، حوادث غیرمترقبه طبیعی و فاجعه‌آمیز، هنوز هم در فعالیت‌های بخش کشاورزی تهدیدی جدی به‌شمار می‌آید. اینجاست که بیمه می‌تواند با ارائه سرویس مناسب و تأمین انواع پوشش‌های بیمه‌ای نقش اساسی در تقویت این بخش برعهده بگیرد. بر همین اساس نظام بیمه محصولات کشاورزی از آغاز قرن بیستم مورد توجه جدی کشورها قرار گرفت. در بسیاری از کشورها، بیمه‌های کشاورزی یکی از فعالیت‌های شرکت‌های بزرگ بیمه تجاری است و بخشی از عملکرد کلی آنها محسوب می‌شود، به طوری که هم‌اکنون حضور بیمه در بخش کشاورزی در همه دنیا ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است و به تناسب سیاست‌های داخلی کشورها به شیوه‌های مختلف به اجرا درآمده است.

## معرفی صندوق بیمه محصولات کشاورزی

### ۱. تاریخچه

برای حمایت از کشاورزان و دامدارانی که محصولاتشان بر اثر حوادث و سوانح پیش‌بینی نشده خسارت می‌دید و در راستای کمک به ادامه فعالیت تولیدی آنان، در سال ۱۳۵۸ قانون تشکیل صندوق ویژه‌ای به نام «صندوق کمک به تولیدکنندگان خسارت‌دیده محصولات کشاورزی و دامی» در بانک کشاورزی به تصویب رسید. پیرو تصویب این قانون، قوانین مربوط به تشکیل صندوق امداد روستاییان و بیمه محصولات کشاورزی باطل شد.

با توجه به نقش بیمه در جبران زیان‌های متوالی، بازسازی توان مالی، افزایش اتکا به کشاورزان و ایجاد انگیزه برای افزایش بهره‌وری و از طرفی ناتوانی صندوق کمک به خسارت‌دیدگان محصولات کشاورزی و دامی در پاسخگویی به موارد مذکور به تنهایی، نیاز به آغاز فعالیت‌های بیمه‌ای مجدداً به‌عنوان نیازی اجتناب‌ناپذیر در بخش کشاورزی مورد تأیید قرار گرفت و مقرر شد اقدامات لازم در جهت تحقق بخشیدن به این تفکر از نو آغاز شود. لذا وزارت کشاورزی وقت، مکلف شد طی پنج سال از تاریخ تصویب قانون تشکیل صندوق مذکور، مطالعات و

اقدامات لازم را در مورد اجرای مقررات مربوط به بیمه محصولات کشاورزی انجام دهد به نحوی که در پایان مدت مذکور، لایحه‌ای تهیه کند که براساس آن صندوق بیمه محصولات کشاورزی بتواند جایگزین صندوق کمک به خسارت‌دیدگان محصولات کشاورزی و دامی شود.

لایحه یاد شده در تاریخ ۱۳۶۲/۳/۱ در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید و در تاریخ ۱۳۶۲/۳/۳۱ برای اجرا به دولت وقت ابلاغ شد. همچنین پیش‌نویس اساسنامه صندوق بیمه محصولات کشاورزی که به وسیله کمیته‌ای متشکل از نمایندگان وزارت کشاورزی، وزارت امور اقتصادی و دارایی، وزارت بازرگانی، سازمان برنامه و بودجه، بیمه مرکزی و بانک کشاورزی تدوین شد، پس از نهایی شدن در تاریخ ۱۳۶۳/۳/۵ در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید و در تاریخ ۱۳۶۳/۳/۲۳ مورد تأیید شورای نگهبان قرار گرفت.

فعالیت بیمه در سال زراعی ۱۳۶۳-۱۳۶۴ در مورد دو محصول پنبه و چغندر قند در استان‌های مازندران و خراسان، در سطحی معادل ۸۹ هزار هکتار آغاز شد و رفته‌رفته به سایر استان‌ها و به محصولات بیشتری تعمیم داده شد، به طوری که در حال حاضر پس از گذشت بیش از دو دهه از فعالیت این واحد، ۹۶ محصول و فعالیت در زیربخش‌های مختلف زراعی (۵/۳ میلیون هکتار)، باغی (حدود ۴۰۷ هزار هکتار)، دام (۱۰/۳ میلیون رأس)، طیور (۴۸۶ میلیون قطعه)، آبیان (۴۹ میلیون مترمربع) و منابع طبیعی (۲/۹ میلیون هکتار) از خدمات حمایتی صندوق بیمه برخوردارند.

## ۲. ارکان صندوق بیمه محصولات کشاورزی

ارکان صندوق بیمه محصولات کشاورزی عبارتند از: مجمع عمومی، کمیته فنی، هیئت‌مدیره، مدیرعامل و بازرس قانونی.

- **مجمع عمومی:** مرکب از وزیران جهاد کشاورزی، صنعت، معدن و تجارت، امور اقتصادی و دارایی و رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، به ریاست وزیر جهاد کشاورزی است.

- **کمیته فنی:** متشکل از نماینده هر یک از اعضای مجمع عمومی و نماینده صندوق بیمه است که از نظر کارشناسی دارای اختیار و تخصص لازم در زمینه مربوط به وظایف هر یک از اعضای مجمع عمومی و صندوق است و نسبت به مسائل مربوط به صندوق که از طرف مجمع عمومی ارجاع می‌شود بررسی و اقدام می‌کند و گزارش توجیهی خود را برای تصمیم‌گیری به مجمع ارسال می‌دارد. صندوق نیز می‌تواند در مورد کلیه وظایف و مسئولیت‌های خود از نظرهای مشورتی کمیته فنی بهره بگیرد.

- **هیئت‌مدیره صندوق:** مرکب از پنج نفر، شامل مدیرعامل بانک کشاورزی و یک نفر از اعضای



هیئت مدیره بانک کشاورزی و سه نفر دیگر به معرفی وزیر جهاد کشاورزی است.

- مدیرعامل بانک کشاورزی: مدیرعامل صندوق بیمه نیز هست.

- بازرس قانونی صندوق: طبق قانون، سازمان حسابرسی است.

### ۳. اهداف و سیاست‌های اجرایی بیمه کشاورزی

#### ۳-۱. اهداف

- توسعه کمی و کیفی بیمه کشاورزی،

- کمک به تحقق اهداف و سیاست‌های بخش کشاورزی،

- ارتقای دانش و اشاعه فرهنگ بیمه کشاورزی در کشور.

#### ۳-۲. استراتژی‌ها (راهبردها)

- توسعه و تنوع بخشی به خدمات بیمه کشاورزی،

- استفاده از تعرفه‌های ترجیحی و تعهدات هدایت شده بیمه‌گر و سایر تسهیلات پوشش بیمه‌ای،

- اصلاح ساختار اجرایی و سازمانی بیمه کشاورزی با رویکرد برون سپاری امور تصدیگری به

بخش غیردولتی،

- هدفمند کردن یارانه بیمه کشاورزی،

- استانداردسازی خدمات بیمه کشاورزی،

- افزایش سطح مطلوب خدمات بیمه‌ای جهت ارتقای رضایتمندی بیمه‌گذاران،

- افزایش کیفیت نظارت بر فرآیند اجرایی بیمه کشاورزی،

- توسعه تحقیقات کاربردی، تقاضامحور و مشتری مدار در بیمه کشاورزی،

- بهره‌گیری از فناوری‌های نوین در فرآیند بیمه کشاورزی،

- تقویت و تجهیز منابع مالی صندوق بیمه کشاورزی.

#### ۳-۳. سیاست‌های کلان

- گسترش حوزه فعالیت‌های صندوق بیمه از محصول به سایر فعالیت‌ها از قبیل سرمایه‌گذاری‌ها و

زیربناها در بخش کشاورزی،

- اصلاح ساختار بیمه کشاورزی در جهت واگذاری کلیه امور تصدیگری به بخش غیردولتی و

استفاده از شبکه کارگزاران خصوصی،

- متنوع کردن منابع مالی صندوق بیمه با بهره‌گیری از منابع مالی سایر مراجع دولتی از جمله ستاد

حوادث غیرمترقبه، مناطق محروم و اعتبارات استانی،

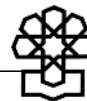
- ایجاد زمینه رقابت در صنعت بیمه کشاورزی از طریق مشارکت سایر بیمه‌های بازرگانی،
- متنوع‌سازی روش‌های بیمه‌ای و معرفی انواع پوشش‌های نوین (از قبیل بیمه عمومی، تضمین تولید، درآمد و...)
- تفکیک مناطق پرخطر، متوسط خطر و کم‌خطر با توجه به آمار عملکرد بیمه و بهره‌گیری از آن در تدوین برنامه‌های الگوی کشت مناطق،
- ایجاد مکانیسم‌های ورود فناوری‌های نوین در ارائه خدمات بیمه کشاورزی،
- توسعه همکاری‌های علمی، پژوهشی، آموزشی و اجرایی با مراکز آموزش عالی، دانشگاهی، مؤسسات پژوهشی و مؤسسات بین‌المللی در زمینه بیمه کشاورزی.

### فرآیند بیمه‌پذیری محصولات کشاورزی

از آنجا که نظام بیمه کشاورزی به‌عنوان ابزاری جهت تحقق هدف‌ها و سیاست‌های حمایتی بخش کشاورزی شکل گرفته است، لذا اجرای پوشش بیمه‌ای برای هر یک از محصولات، براساس اولویت‌هایی در سیاست‌های اعلام شده از سوی وزارت جهاد کشاورزی صورت می‌گیرد که در قالب برنامه‌های توسعه میان‌مدت به صندوق بیمه اعلام می‌شود. در پی آن، مطالعات امکان‌پذیری بیمه هر محصول با روش‌های میدانی و کتابخانه‌ای و جمع‌آوری آمار و اطلاعات لازم درخصوص مسائل علمی و فنی محصول، خطرات تهدیدکننده، توالی و شدت وقوع این خطرات، روش‌های اجرایی و نظام‌های کشت یا مدیریت واحدهای زراعی و دامی و... در واحد تحقیقات صندوق انجام می‌گیرد. نتایج بررسی‌های یاد شده منجر به ارائه طرح توجیهی امکان بیمه‌پذیری محصول مورد نظر، شامل کلیه نکات و مسائل علمی و فنی به همراه دستورالعمل و آیین‌نامه اجرایی آن می‌شود. این آیین‌نامه پس از طی مسیر قانونی خود از هیئت‌مدیره تا کمیته فنی و مجمع عمومی و در نهایت تصویب مراجع یاد شده (پس از اصلاحات لازم)، به‌صورت آزمایشی به اجرا گذاشته می‌شود. تعرفه بیمه‌ای نیز که شامل مبلغ حق بیمه و حداکثر تعهد بیمه‌گر است، نسبت به مبنای محاسبه (هزینه یا ارزش تولید در هکتار) و ضریب خطر (ریسک) حاصل از بررسی‌های فوق تعیین و طرح بیمه‌ای مورد نظر پیشنهاد می‌شود.

باید توجه کرد که به‌موازات تصویب آیین‌نامه اجرایی یک محصول، محاسبات مالی و پیش‌بینی‌های لازم جهت تنظیم بودجه مربوط به کمک دولت به هر محصول نیز در واحدهای ذیربط صورت می‌گیرد، به‌طوری که با آغاز اجرای هر برنامه جدید، اعتبارات لازم از سوی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور تخصیص می‌یابد.





اولین اقدام عملی صندوق بیمه در جهت اجرای یک برنامه پوششی جدید، آموزش نیروهای کارشناسی مناطق و استان‌هاست. با برگزاری دوره‌های آموزش تخصصی، برای هر محصول با کمک صاحب‌نظران و مدرسان هر فعالیت و تبیین اصول و روش‌های مندرج در آیین‌نامه‌های اجرایی، مقدمات آغاز پوشش بیمه‌ای فراهم می‌شود.

در این آموزش همکاری سازمان‌های تخصصی هر محصول مثل سازمان پنبه و دانه‌های روغنی، سازمان دامپزشکی کشور و... یکی از مهمترین ابزارهای کمکی برای توسعه و ترویج پوشش بیمه‌ای در هر بخش محسوب می‌شود. همچنین تشکل‌های فعال در بخش، از جمله تعاونی‌های روستایی و تولیدی، اتحادیه‌های تولیدکنندگان و... در مراحل اجرایی، بازوهای مؤثر و قدرتمند توسعه بیمه شمرده می‌شوند.

صندوق بیمه، اجرای بیمه هر محصول جدید را ابتدا به‌صورت آزمایشی و در سطوح محدود آغاز می‌کند و پس از طی دو یا سه دوره اجرای برنامه و آگاهی بر نقاط قوت طرح اجرا در سطوح گسترده کشوری را شروع می‌کند. اجرای طرح به‌صورت آزمایشی در واقع آزمون تصمیم‌های گرفته شده در آیین‌نامه و روش‌های اجرایی است و صحت آنها را به اثبات می‌رساند.

### روش‌های اجرایی بیمه محصولات کشاورزی

عملیات اجرایی در هر سال پس از ابلاغ برنامه‌ها به مناطق کشور آغاز می‌شود. برنامه ابلاغی در واقع شامل تعرفه‌ها (حق بیمه و حداکثر تعهد بیمه‌گر و نیز میزان کمک دولت در پرداخت حق بیمه) و سطح برنامه اجرایی برای پوشش بیمه‌ای هر یک از محصولات و فعالیت‌های موردنظر است که براساس بودجه مصوب تعیین می‌شود. به‌منظور حق انتخاب بیشتر کشاورزان، در تعرفه‌های اعلام شده برای محصولات زراعی علاوه بر گزینه اصلی که براساس هزینه تولید تعیین می‌شود، گزینه‌های دیگری براساس پیش‌بینی مقادیر گوناگون تولید در هکتار، تعیین شده است. در بخش باغات نیز پتانسیل‌های مختلف تولید در مناطق، مبنای تعیین گزینه‌های متنوع حق بیمه‌هاست. در زمینه دام‌ها نیز براساس ارزش روز دام، طیور و آبزیان، پوشش‌های متناسب و متنوعی عرضه می‌شود تا هیچ‌گونه محدودیتی در انتخاب پیش نیاید.

براساس ماده (۲۷) اساسنامه صندوق بیمه، بانک کشاورزی به‌عنوان کارگزار اصلی عملیات اجرایی بیمه تعیین شده است و وظایف آن به وسیله شعبه‌های بانک در سراسر کشور انجام می‌گیرد. انعقاد قرارداد بیمه، نخستین گام در اجرای بیمه است. در شعبه‌های بانک کشاورزی و کلیه سازمان‌های تابع وزارت جهاد کشاورزی، به هنگام مراجعه کشاورزان و دامداران برای دریافت تسهیلات و نهاده‌ها و پس از آشنایی تولیدکنندگان با مزایای بیمه توسط مسئولان و اظهار تمایل

کشاورز یا دامدار، عقد قرارداد به صورت انفرادی یا گروهی انجام می‌گیرد. به منظور آگاهی کشاورزان از ضوابط بیمه، خلاصه‌ای از شرایط بیمه که در واقع برگرفته از آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های اجرایی است در پشت بیمه‌نامه درج شده است.

در طول دوران قرارداد بیمه، کارشناسان بیمه در شعبه‌های بانک و نیز واحد ستاد صندوق بیمه از واحدهای بیمه شده اعم از اراضی، باغ‌ها، دامداری‌ها، واحدهای پرورش طیور، استخرهای پرورش ماهی و میگو، بازدید می‌کنند و از نظر وضعیت مزارع و مدیریت واحدهای دامی گزارش‌های لازم را تهیه می‌کنند. این گزارش‌ها در زمان وقوع خسارت‌ها، مبنای قضاوت ارزیابان خسارت قرار خواهند گرفت. مراحل اجرایی کار با اعلام خسارت از سوی بیمه‌گذار به شعبه‌های بانک کشاورزی ادامه می‌یابد.

کارشناسان ارزیاب خسارت، بلافاصله پس از دریافت گزارش خسارت، با بررسی سوابق بیمه‌گذار، به محل مزرعه یا دامداری مراجعه کرده و پس از بازدید و تأیید خسارت موردنظر، فرم‌های مربوط را تکمیل و در آنها درصد خسارت، سطح خسارت‌دیده یا تعداد دام تلف شده و مرحله وقوع خسارت طبق جداول آیین‌نامه هر محصول را که از نکات مهم در ارزیابی‌هاست، ثبت می‌کنند. در صورت وسعت سطوح خسارت‌دیده، کارشناسان سایر سازمان‌های مربوط، به‌ویژه سازمان جهاد کشاورزی، کارشناسان بیمه شعبه‌های بانک را در امر ارزیابی و تعیین میزان و درصد خسارت‌های وارد شده، در چارچوب اکیپ‌های کارشناسی همراهی می‌کنند.

وقوع خسارت در دوران قرارداد بیمه، در واقع مرحله‌ای است که عملکرد این نوع بیمه را در معرض آزمایش قرار می‌دهد. سرعت عمل و قضاوت عادلانه و دقیق کارشناسی بهترین پاسخی است که صندوق بیمه می‌باید به تولیدکننده خسارت‌دیده بدهد.

شعبه‌های بانک موظفند حداکثر ظرف یک‌ماه، خسارت بیمه‌گذار را بپردازند. البته چنانچه بیمه‌گذار به ارزیابی خسارت، اعتراض داشته باشد باید مراتب را به بانک منعکس کند تا گروه کارشناسی (مرکب از دو نفر یا بیشتر) دوباره به محل وقوع خسارت اعزام شوند و ارزیابی مجدد صورت گیرد. در گروه کارشناسی معمولاً از صاحب‌نظران و محققان مراکز تحقیقات کشاورزی در سطوح استان‌ها بهره گرفته می‌شود و نظرات آنها مورد تأیید غالب تولیدکنندگان قرار می‌گیرد.

معیار حداکثر غرامت پرداختی در مورد زراعت‌ها، مرحله پیشرفت عملیات زراعی (درصد هزینه‌های انجام شده تا زمان وقوع خسارت) و برای باغات و غالب دام‌ها ارزش محصول است. عوامل مؤثر در تعیین غرامت نیز عبارتند از: سطح خسارت‌دیده (یا تعداد دام تلف شده)، حداکثر تعهد بیمه‌گر که در قرارداد قید شده است، درصد خسارت و میزان بازده محصول.



## ظرفیت‌های ایجاد شده برای بیمه محصولات کشاورزی در کشور

۱. محصولات زراعی (۸۵٪)، محصولات باغی (۸۹٪)، طیور (۱۰۰٪) و محصولات فعالیت‌های زیربخش دام، آبزیان و منابع طبیعی (۹۵٪).
۲. توسعه شبکه کارگزاران در قالب شرکت‌های خدمات بیمه کشاورزی (۳۴۰ شرکت با به‌کارگیری حدود ۵۰۰۰ نفر از فارغ‌التحصیلان بخش کشاورزی).
۳. بهره‌گیری از کلیه ظرفیت‌های تولیدی و صنفی بخش کشاورزی با اولویت تشکل‌های تخصصی در امور کارگزاری (۲۵ فقره تفاهمنامه همکاری).
۴. استفاده از شرکت‌های فنی مشاوره‌ای وزارت جهاد کشاورزی در توسعه سطوح بیمه‌ای.
۵. ورود به عرصه بیمه عوامل تولید با تصویب ماده واحده اصلاح قانون بیمه محصولات کشاورزی مصوب سال ۱۳۸۷.
۶. بسترسازی به‌منظور حضور شرکت‌های بیمه تجاری (امضای تفاهمنامه همکاری با ۹ شرکت بیمه تجاری مانند آسیا، نوین، کارآفرین، البرز و...).
۷. به‌کارگیری فناوری‌های نوین مانند سنجش از دور، عکس‌های هوایی و GPS در عملیات بیمه کشاورزی و اجرای پروژه‌های مطالعاتی در این زمینه.
۸. توسعه قابل ملاحظه روند پروژه‌های تحقیقاتی در دو بخش موضوعی و محصولی از سال ۱۳۸۸ به بعد با بهره‌برداری از مراکز تحقیقات تخصصی بخش کشاورزی.
۹. بازنگری و اصلاح روند عملیات اجرایی بیمه کشاورزی به‌منظور تسریع در روند اجرایی و افزایش رضایتمندی بیمه‌گذاران.
۱۰. ایجاد بسترهای لازم به‌منظور کمک به تحقق سیاست‌های بخش به‌ویژه برنامه‌های ارائه شده در راستای پیشگیری و کاهش خسارت‌های وارده.
۱۱. توسعه روش‌های بیمه گروهی و منطقه‌ای به‌منظور حمایت از شاخص‌های تولیدی مناطق (تضمین تولید برنج و گندم در استان‌های مازندران و بوشهر).
۱۲. بهره‌برداری از سامانه الکترونیکی بیمه کشاورزی در بستر وب به‌منظور خدمات‌رسانی بهتر و بیشتر با سرعت بالاتر به بیمه‌گذاران.
۱۳. سازماندهی اجرایی از طریق ستادهای بیمه و تشکیل کارگروه‌های تخصصی به‌منظور ارتقای کیفی خدمات بیمه و تمرکززدایی در تصمیم‌گیری‌های مربوط.
۱۴. توسعه قابل توجه فعالیت‌های آموزشی و اطلاع‌رسانی با استفاده از ظرفیت‌های ایجاد شده در بستر شبکه ترویج.

### برخی از شاخص‌های توسعه بیمه محصولات کشاورزی در ده سال اخیر

۱. زراعت: از ۲ میلیون هکتار به ۵/۶ میلیون هکتار (۲/۸ برابر).
۲. باغات: از ۱۲ هزار هکتار به ۴۹۵ هزار هکتار (۴۱ برابر).
۳. دام: از ۲ میلیون واحد دامی به ۱۴ میلیون واحد دامی (۷ برابر).
۴. طیور: از ۹ میلیون قطعه به ۸۶۰ میلیون قطعه (۹۵ برابر).
۵. آبزیان: از ۱۶ میلیون مترمربع به ۷۰ میلیون مترمربع (۴/۴ برابر).
۶. منابع طبیعی: از ۳۴۰ هزار هکتار به ۳/۵ میلیون هکتار (۱۰/۳ برابر).
۷. تعداد بیمه‌گذاران: از ۴۰۰ هزار نفر به ۱۸۰۹۰۰۰ نفر (۴/۵ برابر).
۸. حق بیمه دریافتی: از ۶۰/۴ میلیارد ریال به ۵۷۹۳ میلیارد ریال (۹۶ برابر).
۹. غرامت پرداختی: از ۳۵ میلیارد ریال به ۱۱۰۰۰ میلیارد ریال (۳۱۴ برابر).
۱۰. تعداد موارد تحت پوشش بیمه: از ۳۷ مورد به ۱۵۱ مورد (۴ برابر).

### عملکرد صندوق بیمه محصولات کشاورزی طی سال‌های اخیر

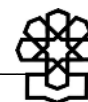
با توجه به تکالیف قانونی صندوق بیمه و لزوم حمایت بیشتر از تولیدکنندگان با توسعه خدمات بیمه‌ای تعداد محصولات تحت پوشش بیمه در پنج سال اخیر با رشد ۶۰ درصد از ۹۵ مورد به ۱۵۱ مورد رسیده است (جدول ۱) و در حال حاضر از نظر تعداد محصولات بیمه‌پذیر در حدود ۸۰ درصد محصولات زراعی، ۷۸ درصد محصولات باغی و بالای ۹۰ درصد دام، طیور و آبزیان در حوزه عمل بیمه کشاورزی قرار دارند.

همچنین همان‌طور که قبلاً اشاره شد قابلیت بیمه‌پذیری ۸۵ درصد سطوح زراعی، ۸۹ درصد سطوح باغی، ۹۵ درصد تولیدات دامی، ۱۰۰ درصد فعالیت‌های صنعت طیور و ۹۵ درصد آبزیان و نیز عرصه‌ها و منابع طبیعی در کشور وجود دارد و صندوق بیمه، خدمات خود را در قالب گزینه‌های مختلف (به‌منظور حق انتخاب بیشتر تولیدکنندگان) شامل حدود ۱۰۰۰ گزینه و پوشش ۲۰۴ عامل خطر (ریسک) ارائه کرده است (جدول ۱).

جدول ۱. روند تغییر تعداد محصولات تحت پوشش و تعرفه‌ها

شاخص	۱۳۸۶-۱۳۸۷	۱۳۸۷-۱۳۸۸	۱۳۸۸-۱۳۸۹	۱۳۸۹-۱۳۹۰	۱۳۹۰-۱۳۹۱
تعداد محصولات تحت پوشش	۹۵	۱۱۰	۱۲۲	۱۴۶	۱۵۱
تعداد تعرفه‌ها	۸۷۱	۹۷۵	۹۰۷	۱۰۰۰	۱۰۰۰

مأخذ: صندوق بیمه محصولات کشاورزی، ۱۳۹۱.



در زیربخش زراعت در سال زراعی ۱۳۹۰-۱۳۹۱ نسبت به سال زراعی ۱۳۸۶-۱۳۸۷ در حدود ۶۹ درصد رشد سطح بیمه وجود داشته که در حدود ۵/۵ میلیون هکتار از اراضی زراعی کشور تحت پوشش بیمه قرار گرفته است.

همچنین در زیر بخش باغ در بازه زمانی فوق سطح بیمه شده با بیش از ۶۳ درصد رشد از ۳۰۲ هزار هکتار به ۴۹۳ هزار هکتار رسیده است. در زیربخش دام نیز با رشد حدود ۲۲ درصدی پوشش بیمه، در حدود ۱۲ میلیون واحد دامی تحت پوشش قرار دارند.

میزان طیور بیمه شده به بیش از ۷۹۷ میلیون قطعه رسیده است که نسبت به سال ۱۳۸۶-۱۳۸۷ حدود ۵۶ درصد رشد داشته است. در زیربخش آبزیان حدود ۷/۶ هزار هکتار آبزی تحت پوشش بیمه می‌باشد که نسبت به سال ۱۳۸۶-۱۳۸۷ حدود ۵۲ درصد رشد داشته است و در زیربخش منابع طبیعی نیز در حدود ۲۱۶۹ هزار هکتار تحت پوشش بیمه قرار دارد که نسبت به سال ۱۳۸۶-۱۳۸۷ حدود ۱۸ درصد رشد داشته است (جدول ۲).

جدول ۲. آمار مقایسه سطح یا میزان بیمه شده در زیربخش‌های مختلف طی سال‌های اخیر

زیربخش / سال	۱۳۸۶-۱۳۸۷	۱۳۸۷-۱۳۸۸	۱۳۸۸-۱۳۸۹	۱۳۸۹-۱۳۹۰	۱۳۹۰-۱۳۹۱
زراعت (هزار هکتار)	۳۲۶۶	۴۸۱۲	۴۲۱۴	۵۶۴۴	۵۵۱۶
باغ (هزار هکتار)	۳۰۲	۳۷۹	۴۲۸	۴۹۶	۴۹۳
دام (هزار واحد دامی)	۹۷۷۶	۱۴۱۴۸	۹۹۸۹	۱۲۷۷۳	۱۱۹۲۲
طیور (هزار قطعه)	۵۱۱۹۲۹	۵۰۴۵۳۴	۵۹۳۹۶۳	۸۶۱۴۲۵	۷۹۷۵۴۷
آبزیان (هزار هکتار)	۵	۴	۴	۵/۵	۷/۶
منابع طبیعی (هزار هکتار)	۱۸۳۲	۳۶۶۲	۳۰۹۰	۳۰۱۴	۲۱۶۹

مأخذ: همان.

### وضعیت تأمین منابع مالی صندوق بیمه محصولات کشاورزی در سال‌های اخیر

با توجه به توسعه چشمگیر بیمه کشاورزی و خسارات ناشی از حوادث و سوانح طبیعی سال‌های اخیر از جمله خشکسالی، سرمازدگی و بیماری‌های واگیردار در طیور وضعیت تأمین مالی صندوق بیمه در سه‌ساله اخیر به شرح زیر بوده است:

## جدول ۳. وضعیت تأمین مالی صندوق بیمه از سال ۱۳۸۸-۱۳۹۰

(میلیارد ریال)

سال	اعتبار مصوب	مبلغ تخصیص یافته	خسارت پرداختی
۱۳۸۸	۵۷۹۲	۵۷۷۹	۵۴۳۲
۱۳۸۹	۶۵۰۰	۱۰۷۸	۷۷۳۱
۱۳۹۰*	۶۵۸۳	۱۲۹۵	۱۱۱۴۵

مأخذ: همان.

\* با توجه به تفاوت عمده پرداخت‌های خسارت از منابع بانک کشاورزی حق بیمه‌های پرداختی مانده بدهی صندوق بیمه بانک کشاورزی برابر صورت‌های مالی سال ۱۳۹۰ بالغ بر ۱۴۵۰۰ میلیارد ریال شده است.

## تجربه کشورهای پیشرو در مدیریت ریسک کشاورزی با تأکید بر نقش بیمه

الگوهای کشورهای مختلف به‌طور مستقیم برای کشور ما کارآمد نیست، زیرا ساختار کشاورزی کشورها متفاوت است.

اما بررسی تجربه کشورها فوایدی چون؛ آشنایی با ساختار اجرایی مدیریت ریسک و تقسیم وظایف بین دستگاه‌های اجرایی، آشنایی با ابزارهای نوین مدیریت ریسک، بررسی تجربه کشورها در اجرایی کردن فرآیند مدیریت ریسک، بررسی تجربه کشورها در ورود بخش خصوصی به مدیریت ریسک، بیمه‌های بین‌المللی اتکایی و ریسک‌های سیستماتیک منطقه‌ای به‌ویژه ریسک‌های اقلیمی بین‌کشوری را دربر دارد.

## ۱. تجربه آمریکا

مدیریت ریسک محصولات بخش کشاورزی در آمریکا از نظر سازماندهی توسط نمایندگی مدیریت ریسک در بخش کشاورزی ایالات متحده (USDA) انجام می‌شود.

ابزارهای مورد استفاده در یک تقسیم‌بندی کلی به دو دسته ابزارهای بیمه‌ای و صورتحساب‌های مزرعه تقسیم‌بندی می‌شود. همچنین ابزارهای بازار بورس مانند بازارهای آینده به‌خوبی توسعه پیدا کرده است. ابزارهای بیمه تنوع زیادی داشته و از سال ۱۹۱۹ میلادی شروع شده است، در مقابل صورتحساب‌های مزرعه از سال ۱۹۹۰ اجرا شده‌اند.

بیمه چندخطره محصول (MPCI) اولین بار در ۱۹۲۸ در آمریکا معرفی شد که تقریباً همه خطرات به غیر از تگرگ و آتش را دربر می‌گیرد. در اواخر دهه ۱۹۹۰ برنامه‌های بیمه درآمد، به‌عنوان طرحی که از کشاورزی در مقابل هر دو ریسک قیمت و عملکرد حمایت می‌کند معرفی شد.



مقدار یارانه حق بیمه در این کشور ۵۲ درصد کل حق بیمه است که با احتساب یارانه هزینه‌های اجرایی شرکت‌های بیمه و بیمه اتکایی به رقم ۷۲ درصد می‌رسد.

## ۲. تجربه هند

برنامه حمایتی قیمت کف: دولت هند برای ۲۵ کالای کشاورزی قیمت کف را اعلام می‌کند. بهسازی صندوق‌های تثبیت قیمت: این طرح برای محصولات قهوه، چای، کائوچو و تنباکو توسط وزارت بازرگانی هند از سال ۲۰۰۳ اجرا می‌شود. برای این منظور میانگین متحرک ۷ ساله قیمت‌های بین‌المللی این محصولات محاسبه شده و سطح پوشش تثبیت قیمت مشخص می‌شود. اگر قیمت داخلی بین منفی تا مثبت ۲۰ درصد با این میانگین انحراف داشته باشد، سال مورد نظر سال نرمال قلمداد می‌شود. اگر قیمت داخلی بیش از ۲۰ درصد از متوسط جهانی باشد، سال رونق و اگر بیش از ۲۰ درصد از قیمت‌های جهانی کاهش یابد، سال اضطراری نامیده می‌شود. در سال اضطراری برای جبران کاهش درآمد به کشاورزان پرداخت نقدی صورت می‌گیرد.

ایجاد صندوق مدیریت ریسک اعتباری و بازارهای آینده به تازگی مطرح شده است.

طرح دخالت بازار: این طرح شامل تثبیت قیمت به‌وسلیه یک هیئت کارشناسی و پرداخت

جبرانی براساس زیان‌های واقعی و ایجاد ارتباط بهتر با صنایع فرآوری کشاورزی است.

سیستم حمایت بیمه کشاورزی سال ۱۹۷۲ در هند آغاز به‌کار کرده است. از جمله ابزارهای نوین مورد استفاده در بیمه در هند می‌توان به استفاده از تکنولوژی کنترل از راه دور و تصاویر ماهواره‌ای (۲۰۰۳ به بعد)، استفاده از کانال‌های توزیع جدید شامل دفاتر پست و نمایندگی‌های کوچک بیمه‌ای و شبکه عرضه‌کنندگان نهاده‌های کشاورزی، ایجاد نظام ملی داده‌های بیمه‌ای برای بروز کردن اطلاعات، اجرای بیمه آب و هوا، بیمه گروهی مناطق و ادغام ریسک و تصویب قانون بیمه خرد<sup>۱</sup> برای تولیدکنندگان فقیر (سال ۲۰۰۵) اشاره کرد.

بخش خصوصی در سال ۲۰۰۰ وارد بیمه کشاورزی هند شده است. در حال حاضر ۱۰ بیمه‌گر

بخش خصوصی در بخش کشاورزی هند فعالیت دارند که دو شرکت آن در بیمه بارندگی (سال

۲۰۰۳) و بیمه شاخص آب و هوا (سال ۲۰۰۴) وارد شده‌اند.

کشاورزی قراردادی، توافقی بین کشاورزان و فرآوری‌کنندگان به‌صورت کتبی یا شفاهی برای

تولید یک محصول است. تعداد زیادی از این قراردادها براساس ماهیت اشتراک ریسک و

خصوصیات قرارداد در هند وجود دارد. هدف این کار مدیریت ریسک بازار و تضمین استفاده از

روش‌های مناسب در تولید کشاورزی است. دولت در این زمینه حمایت خود را از طریق تأمین

بستر قانونی، برقراری ارتباطات پسین و پیشین، اعتبارات، تکنولوژی و آموزش انجام می‌دهد. دولت هند مرکز مدیریت ریسک کشاورزی را در سال ۲۰۰۷ ایجاد کرد. این مرکز با مشارکت بخش خصوصی و دولتی وظیفه تحقیقات، ظرفیت‌سازی و گسترش ابزارهای مدیریت ریسک در کشاورزی را برعهده دارد.

### ۳. تجربه اسپانیا

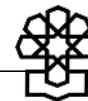
ابزارهای مدیریت ریسک در کشور اسپانیا عبارتند از: بیمه کشاورزی، صندوق‌های حوادث فاجعه‌آمیز (برای پرداخت جبرانی بعد از وقوع ریسک)، صندوق‌های مشاع، استفاده از تعاونی‌ها و قراردادهای آینده.

در اسپانیا بیمه کشاورزی در سال ۱۹۷۸ معرفی شد. این سیستم ریسک‌های غیرقابل کنترل در زراعت، دامپروری و جنگلداری را تحت پوشش قرار می‌دهد. هم بخش خصوصی و هم بخش دولتی در بیمه مشارکت دارند. بیمه هم برای کشاورزان و هم برای شرکت‌های بیمه خصوصی کاملاً اختیاری است. تمام انواع بیمه کشاورزی توسط دولت یارانه دریافت می‌کنند. یارانه حق بیمه حدود ۵۰ درصد است. همچنین در زمینه بیمه اتکایی وظیفه بیمه اتکایی به‌عهده دولت است.

از برنامه‌های قابل توجه بیمه خصوصی در اسپانیا، مدیریت گروهی ریسک و ادغام ریسک مناطق تولید است.

یک مؤسسه دولتی در اسپانیا به‌نام ENESA که در وزارت کشاورزی مستقر است و از وزارت‌های مختلف دارایی و اقتصاد و کشاورزی، شیلات و غذا و جوامع خودگردان و بخش خصوصی در آن مشارکت دارند، متولی مدیریت ریسک است. این مؤسسه وظیفه ایجاد هماهنگی بین اجزای مختلف ساختار مدیریت ریسک اسپانیا را برعهده دارد و بخش خصوصی با هماهنگی این مؤسسه عمل می‌کند.





جدول ۴. مقایسه تطبیقی برخی از شاخص‌های عملکرد بیمه کشاورزی (زراعی و باغی) در سال ۲۰۰۸

کشور	سطح بیمه شده (میلیون هکتار)	درصد بیمه شده (نسبت به کل ظرفیت)	بهره‌برداران بیمه شده	درصد	تعداد محصول بیمه شده	درصد یارانه دولت	نسبت خسارت (درصد)
آمریکا	۱۱۰	۹۰	۸۳		>۱۵۰	۶۱	۱۷۰
کانادا	۱۹	۵۵	-		۴۰	۵۰	۱۸۶
آلمان	۷	۵۸	-		-	۵۰	-
مکزیک	۱/۹	۱۵	۱۷		۸۰	۴۰	۸۰
اسپانیا	۶/۷	۲۶	۲۵		۴۳	۶۶	۲۹۴
ژاپن	۲/۳	۷۹	۲۰		-	۵۱	۱۸۴
چین	۱۵/۳	۱۰	۱۰		-	۶۰	۵۵
هندوستان	۳۸	۱۶	۲۵		۶۰	۶۰	۳۳۶
ترکیه	۰/۶۵	۳	۷		-	۵۰	۸۷
کره جنوبی	۰/۰۲۶	۲	۱/۱		۲۵	۵۰	۷۸
ایران (۱۳۸۹-۱۳۹۰)	۵/۹ (رتبه پنجم)	۴۰ (رتبه چهارم)	۴۲ (رتبه چهارم)		۱۵۱ (رتبه دوم)	۶۶	۴۱۰

مأخذ: همان.

### بررسی وضع موجود بیمه کشاورزی در ایران

بررسی و تحلیل نقاط ضعف و قوت داخلی در صنعت بیمه و تهدیدات و فرصت‌های محیطی این صنعت ما را به راهبردها و استراتژی‌هایی هدایت می‌کند که در جدول زیر مهمترین آنها درج شده است و برای تحقق راهبردهای مذکور اقداماتی باید صورت پذیرد که در انتهای جدول آمده است.

جدول ۵. مهمترین تهدیدات، فرصت‌ها، نقاط ضعف و قوت بیمه محصولات کشاورزی

تهدیدات	فرصت‌ها	نقاط قوت	نقاط ضعف
- وابستگی به منابع دولت	- ظرفیت‌ها و روند رو به رشد کشاورزی نوین	- پوشش بیمه‌ای ۹۰ محصول و فعالیت	- محدودیت‌های حقوقی و اعتباری
- عدم مشارکت بخش خصوصی	- امتیازات پیوستن به WTO	- ایجاد فرصت‌های شغلی	- بالا بودن میزان مطالبات از دولت
- نبود بیمه اتکایی	- توجه خاص سیاستگذاران	- ارتقای فرهنگ بیمه	- عدم دسترسی به روش‌های علمی ارزیابی خسارت
- محدودیت‌های قانونی	- گسترش تشکل‌های صنفی در کشاورزی	- تولید منابع علمی و تحقیقاتی	- ضعف آمار و اطلاعات
- نظام بهره‌برداری خرده مالکی	- غیرمتمرکز شدن نظام بودجه	- جلب مشارکت محققان	- فشارهای سیاسی
- نگاه حمایتی به بیمه کشاورزی	- الزام تحول در صنعت بیمه	- کمک به تأمین منابع مالی در بخش	- نبود نظام نظارت و ارزشیابی
- فقدان نظام آماری و اطلاعاتی مناسب		- تقویت روحیه تعاون و مشارکت	- فقدان رقابت در عرضه خدمات
- مخاطرات اخلاق		- پوشش عملیات اجرایی توسط شبکه بانک	- روند افزایشی هزینه‌های اجرایی
			- بالا بودن نسبت خسارت

تهدیدات	فرصت‌ها	نقاط قوت	نقاط ضعف
<ul style="list-style-type: none"> <li>- نبود استانداردهای تولیدی</li> <li>- وجود نوسانات بالای قیمت محصولات کشاورزی</li> </ul>		<ul style="list-style-type: none"> <li>کشاورزی</li> <li>- ایجاد زمینه‌های کاربرد فناوری در فرآیند بیمه‌گری</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>- تنوع کمتر تولیدات بیمه‌ای</li> </ul>
<b>راهبردها</b>			
<ul style="list-style-type: none"> <li>- به‌کارگیری بخش خصوصی</li> <li>- متنوع‌سازی منابع مالی</li> <li>- اطلاع‌رسانی و ایجاد بستر فرهنگی</li> <li>- ایجاد بیمه اتکایی</li> <li>- برقراری تعادل بین منابع و مصارف</li> <li>- هدفمند کردن یارانه‌ها</li> <li>- اجرای بیمه‌های گروهی و منطقه‌ای</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>- افزایش زمینه مشارکت بیشتر بخش کشاورزی</li> <li>- بهره‌گیری از تشکل‌های بهره‌برداران (تولیدی)</li> <li>- استانداردهای واحدهای تولیدی</li> <li>- توسعه مطالعات اقلیمی</li> <li>- اصلاح ساختار صندوق در راستای تمرکززدایی و تفویض اختیار بیشتر به استان‌ها</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>- اهتمام در گسترش مطالعات و تحقیقات کاربردی</li> <li>- استمرار آموزش و اطلاع‌رسانی</li> <li>- جهت‌بخشی به نیاز مشتریان</li> <li>- تکمیل ظرفیت‌های خالی</li> <li>- آگاهی از نیاز مشتریان به‌منظور تأمین انتظارات</li> <li>- بهره‌گیری از تکنولوژی‌های RS و GIS در فرآیند بیمه</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>- استانداردسازی ارزیابی خسارت</li> <li>- ورود به عرصه‌های جدید (تنوع خدمات)</li> <li>- اصلاح شیوه‌های نرخگذاری</li> <li>- تقویت شبکه نظارت</li> <li>- جذب و تربیت نیروی انسانی متخصص</li> <li>- جهت‌گیری هدایت کلیه منابع اعتباری تخصیص یافته در جبران خسارت‌ها به بیمه کشاورزی</li> <li>- ارتقای بهره‌وری</li> </ul>
<b>راهکارها</b>			
<ul style="list-style-type: none"> <li>- اصلاح ضوابط محاسبات فنی</li> <li>- تدوین نرخ تعرفه متناسب با درآمد کشاورزان</li> <li>- اصلاح قانون و اساسنامه در جهت تنوع خدمات</li> <li>- اجرای بیمه اجباری</li> <li>- فراهم کردن زمینه تأسیس شرکت‌های خصوصی اقماری</li> <li>- توسعه برنامه‌های آموزش نیروی انسانی</li> <li>- بهره‌گیری بیشتر از رسانه‌های گروهی در ترویج فرهنگ بیمه</li> <li>- تعیین فرانشیز برای انواع خدمات بیمه‌ای</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>- ساماندهی بانک اطلاعات خسارت‌ها</li> <li>- پهنه‌بندی اقلیمی مناطق کشور از نگاه بیمه</li> <li>- تفکیک مناطق از نظر احتمال وقوع خطر</li> <li>- تهیه شناسنامه اراضی زراعی و باغات</li> <li>- تعیین حق بیمه و غرامت‌ها برحسب سطوح مختلف خطر بیمه‌گذاران</li> <li>- ارائه خدمات و توصیه‌ها با هدف مدیریت ریسک</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>- نیازسنجی مشتریان</li> <li>- مکانیزه نمودن فعالیت‌ها</li> <li>- انجام مطالعات تطبیقی نظام‌های بیمه کشاورزی</li> <li>- انجام مطالعات لازم درخصوص تعیین پتانسیل عملکرد محصولات</li> <li>- مطالعات لازم درخصوص چگونگی گروه‌بندی بهره‌برداران از نظر میزان ریسک</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>- ایجاد و گسترش بیمه درآمد</li> <li>- اجرای بیمه عوامل تولید</li> <li>- اجرای بیمه‌های گروهی و منطقه‌ای</li> <li>- اجرای بیمه‌های فراگیر</li> <li>- اجرای بیمه براساس شاخص‌های آب‌وهوایی</li> <li>- پوشش بیمه‌ای ریسک‌ها با توجه به ضوابط و اصول بیمه</li> </ul>

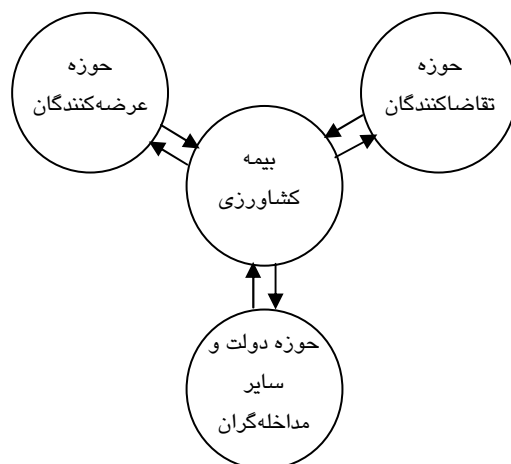


## چالش‌های فراروی بیمه کشاورزی در ایران

صنعت بیمه کشاورزی در ایران نظامی نوپا و جوان و در عین حال رو به رشد و پرتقاضاست. ارکان و ابعاد این نظام را می‌توان به سه دسته مؤلفه‌های عرضه، مؤلفه‌های تقاضا و مؤلفه‌های مداخله‌گر تقسیم‌بندی کرد (نمودار ۱). تقاضاکنندگان و خریداران بیمه کشاورزی، کشاورزان، دامداران، صیادان و به‌طور کلی بهره‌برداران و تولیدکنندگان بخش کشاورزی هستند که ویژگی‌های کشاورزی ایران از جمله (مهمترین آنها) غلبه کشاورزی سنتی و معیشتی، کم‌سواد و بی‌سوادی قشر عظیمی از کشاورزان و بهره‌برداران طرف تقاضا، صنعت بیمه کشاورزی را به‌صورت جدی متأثر از خود کرده است.

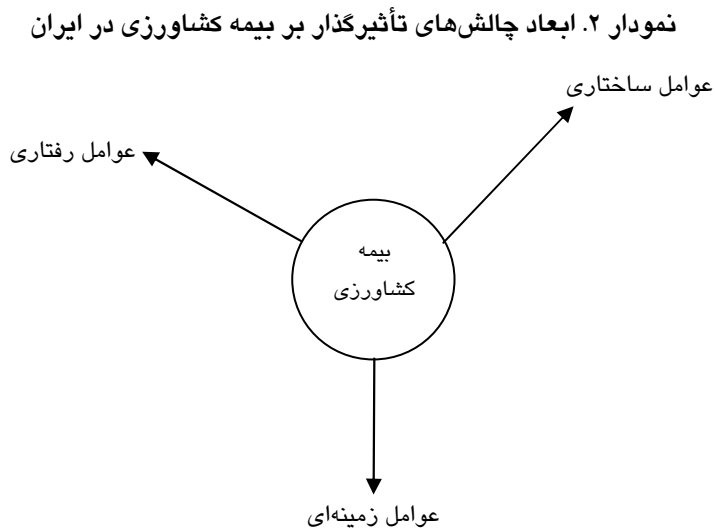
طرف عرضه در صنعت بیمه کشاورزی، متولی رسمی و قانونی آن یعنی صندوق بیمه محصولات کشاورزی و بازوی اجرایی و پشتیبان مالی آن یعنی بانک کشاورزی می‌باشد و طرف سوم در معادله بیمه کشاورزی دولت و نقش و نوع سیاست‌ها و حمایت‌ها و دخالت‌های آن می‌باشد. لذا در هر نوع تحلیلی که برای بررسی چالش‌های فراروی این صنعت به‌عمل آید باید به وضعیت هریک از این ابعاد و نحوه تنظیم، آرایش و سازماندهی آنها در جای خود و نسبت به همدیگر توجه کافی به‌عمل آید.

### نمودار ۱. حوزه‌های اصلی تأثیرگذار بر بیمه محصولات کشاورزی در ایران



به‌عبارت دیگر برای اینکه بدانیم به‌دنبال تغییر و تحول و یا تنظیم و سازماندهی مجدد چه عواملی باشیم ابتدا باید نسبت به حوزه‌های اصلی تأثیرگذار بر موضوع مورد بحث یعنی بیمه کشاورزی به میزان کافی شناخت داشته باشیم و از نقاط ضعف و قوت و تهدیدات و فرصت‌های موجود در هر حوزه آگاه باشیم تا زمینه برای یک تحلیل استراتژیک فراهم آید. به همین جهت

مطالعات و بررسی‌های به‌عمل آمده در سه حوزه کلیدی و اصلی فوق‌الذکر متمرکز شده است. در این گزارش به‌منظور ارائه یک دیدگاه گذرا ولی در عین حال جامع و پرهیز از پراکنده‌گویی و تمرکز بر نقاط کلیدی و مهم از یک مدل سه‌بعدی به شکل زیر بهره گرفته شده است:



### ۱. عوامل ساختاری

مجموعه چارچوب‌ها، قواعد، نهادها، قوانین و مقررات، سیاست‌ها، استراتژی‌ها، روش‌ها و سیستم‌های اجرایی حاکم و مشتمل بر بیمه کشاورزی به‌عنوان عوامل ساختاری قلمداد شده‌اند که به‌طور طبیعی می‌توانند در حوزه‌های سه‌گانه تأثیرگذار بر صنعت بیمه کشاورزی اعم از حوزه عرضه، تقاضا و یا مداخله‌گران قرار داشته باشند.

بنابراین آنچه در پی می‌آید به‌عنوان مهمترین چالش‌های فراروی صنعت بیمه کشاورزی از بعد ساختاری با اوصاف فوق‌الذکر تشخیص داده شده است.

#### ۱-۱. فقدان فضای رقابتی در عرضه خدمات بیمه کشاورزی

با توجه به قانون بیمه مصوب ۱۳۱۶، فعالیت بیمه کشاورزی در قالب بیمه اموال در زمره فعالیت‌های شرکت‌های بیمه‌ای پیش‌بینی شده بود ولی در هیچ حالتی مؤسسات بیمه‌ای چه دولتی و چه خصوصی از آن زمان تاکنون به‌دلایل متعددی از قبیل ماهیت ریسک در بخش کشاورزی و عدم سودآوری آن برای شرکت‌های بیمه‌ای، رغبتی به فعالیت در این زمینه نشان ندادند. پس از تصویب قانون بیمه محصولات کشاورزی در سال ۱۳۶۲، صندوق بیمه محصولات کشاورزی تنها متولی ارائه خدمات بیمه کشاورزی در ایران بوده‌اند و هیچ‌گونه رقابتی در ارائه این خدمات از سوی بخش



دولتی و خصوصی وجود ندارد. از آنجایی که وجود رقابت در فعالیتهای اقتصادی، امکان توسعه و ارائه مطلوبتر خدمات را فراهم می‌آورد، فقدان آن برای بیمه کشاورزی به‌عنوان یک چالش مطرح شده و بالطبع بسیاری از زمینه‌های توسعه‌ای اعم از ایجاد تنوع در خدمات، ورود به عرصه‌های جدید فعالیت و ارتقای سطح کیفی فعالیت‌ها را از آن سلب می‌کند.

## ۱-۲. تمرکز در مدیریت نظام بیمه محصولات کشاورزی

کشاورزی در ایران فعالیتی است گسترده در پهنه سرزمینی با  $\frac{4}{3}$  میلیون بهره‌بردار و تولیدکننده‌ای که در اقصی نقاط کشور پراکنده هستند. به‌عبارت دیگر در کوه و دشت و یا هر نقطه‌ای که آب یافت می‌شود، آبادی وجود داشته و به نوعی فعالیتی از کشت و زرع و یا دامداری مشاهده می‌گردد. بنابراین پراکندگی، خرد بودن و گسستگی مزارع و واحدهای تولیدی در پایین‌ترین سطح تقسیمات کشوری، ویژگی اصلی حوزه فعالیت بیمه کشاورزی را تشکیل می‌دهد.

حوزه عملیات نظام بیمه کشاورزی معطوف به مزرعه، آبادی، روستا و به‌طور کلی سطح محلی است. نتایج بررسی‌ها و مطالعات در حوزه خدمات کشاورزی و روستایی در دنیا نیز نشانگر آن است که به لحاظ وجود چنین خصوصیتی، اداره نهادها و سازمان‌های خدماتی در حوزه کشاورزی اصولاً ماهیتی محلی و نزدیک به مزرعه دارند تا ماهیتی ملی، لذا این سؤال مطرح می‌شود که اداره امور بیمه کشاورزی به کدام یک از صورتهای ملی یا استانی و یا محلی کارآمدتر است؟

براساس سیاست‌ها و برنامه‌های راهبردی توسعه کشور و همچنین سند چشم‌انداز، نظام تشکیلاتی، نظام برنامه‌ریزی و نظام بودجه‌بندی کشور تا حد زیادی به سمت عدم تمرکز، واگذاری امور به استان‌ها و برنامه‌ریزی و اجرا در سطح محلی هدایت شده است. ضرورت دستیابی به توازن منطقه‌ای و رشد موزون مناطق و نواحی مختلف کشور و استفاده از مزایای سیاستگذاری، برنامه‌ریزی و اجرای غیرمتمرکز امور نیز چنین سیاست‌ها و گرایش‌هایی را با استقبال روبرو کرده است و شواهد و آثار آن نیز طی سال‌های اخیر درحال نمایان شدن می‌باشد.

بنابراین در شرایطی که از یک طرف فعالیتهای کشاورزی موضوعی محلی است و از طرف دیگر سایر نظام‌های برنامه‌ریزی و اجرایی به سمت عدم تمرکز و اداره محلی کارها هدایت شده‌اند، اداره امور بیمه کشاورزی به شکلی ملی و متمرکز جای تأمل جدی دارد.

درحال حاضر نظام بیمه کشاورزی در کشور توسط یک صندوق که نهادی دولتی است به‌صورت متمرکز در سطح ملی برنامه‌ریزی و هدایت می‌شود. نظام متمرکز فعلی از کلیه مزایای طبیعی عدم تمرکز به‌خصوص موارد زیر محروم است:

- مشارکت، تعامل و همفکری مدیران و برنامه‌ریزان استانی و محلی و ذینفعان، کشاورزان و

تشکل‌ها و نمایندگان آنها در طراحی سیاست‌ها و برنامه‌ها و تسهیل در فرآیند اجرا.

- احساس مسئولیت و پاسخگویی محلی در کنار درک نیازها و مشکلات محلی و منطقه‌ای.
- تخصیص منابع، کمک‌ها و مساعدت‌های مالی و غیرمالی سطوح استانی و محلی.
- مزایای رقابت بین استان‌ها و یا بین مناطق به‌عنوان عنصری جلوگیری‌کننده و کارآمد.
- محروم شدن از اطلاعات واقعی و درک نیازها و اقتضائات محلی و استانی.

همچنین اداره امور بیمه کشاورزی به‌صورت ملی تبعات زیر را نیز به همراه دارد:

- عدم درک صحیح از ماهیت بیمه، ریسک و مدیریت اقتصادی آن و در نتیجه شکل‌گیری انتظارات، توقعات و بینش‌ها و نگرش‌های نامتناسب با ماهیت صنعت بیمه در سطوح استانی و محلی.
- فراغت مسئولین محلی از یکی از مهمترین موضوعات عرصه توسعه و کشاورزی در سطح محلی و بعضاً تبدیل شدن به ابزاری برای خارج کردن بیمه از کارکرد طبیعی و واقعی خودش.

بررسی‌ها و مطالعات نشان می‌دهد در اکثر کشورهای دنیا نیز نظام بیمه کشاورزی به صورتی سازماندهی شده است که ضمن برخورداری از تمرکز در سطوح سیاستگذاری، در سطح اجرا به شکل محلی برنامه‌ریزی و اجرا می‌شود. در شرایطی که در کشور ما منطبق بر جهت‌گیری‌های کلان برنامه‌های توسعه، مسئولیت‌ها و اختیارات زیادی به سطوح محلی واگذار شده است و در شرایطی که قرائن و شواهد زیادی وجود دارند که دلالت بر ناکارآمدی نظام متمرکز است و کشاورزی نیز فعالیتی است که عملاً از سطح استان به پایین شروع می‌شود، سازماندهی و مدیریت یک موضوع محلی همانند بیمه کشاورزی به شکلی ملی و متمرکز فاقد توجیه منطقی بوده و نشان از عدم همپایی با سایر تغییر و تحولات محیطی دارد که باعث شده است خود به‌عنوان یک عامل یا چالش اساسی، معلول‌ها و پیامدهای متعددی نیز تولید یا بازتولید کند.

### ۳-۱. آمیختگی نقش‌های تولی‌گری و تصدیگری

در حال حاضر کلیه امور مربوط به نظام بیمه کشاورزی در کشور برعهده یک نهاد دولتی به نام صندوق بیمه محصولات کشاورزی قرار گرفته است. بدین لحاظ نهاد مذکور تلفیقی از نقش‌های حاکمیتی و تولی‌گری نظیر سیاستگذاری و برنامه‌ریزی، اجرا و نظارت بر اجرا را توأمان برعهده دارد.

وضعیت موجود یعنی آمیختگی نقش‌های متضاد مذکور اشکالات اساسی متعددی در پی دارد که مهمترین آنها به قرار زیرند:

#### - مغایرت نسبی با تجربه جهانی

تقریباً در همه کشورهای جهان یک نهاد اصلی و یا دولتی وجود دارد که متولی و مسئول امور



سیاستگذاری و برنامه‌ریزی راهبردی در نظام بیمه کشاورزی بوده و بازیگران متعدد دیگری از ذینفعان یا بخش خصوصی و متخصصان و یا تشکل‌های کشاورزی به‌عنوان متصدیان اجرایی در این عرصه حضور دارند.

#### - ایفای نقش‌های متضاد عملیاتی و نظارتی به‌صورت توأمان

آمیختگی نقش‌ها باعث عدم تبیین مرز مشخص بین مجری نظام بیمه کشاورزی با سیاستگذار و ناظر آن شده و در فقدان چنین تفکیکی مشکلات متعددی بر این نظام تحمیل کرده است و همچنین باعث شده تا از نقاط قوت و فرصت‌های بالقوه‌ای که به‌طور طبیعی حاصل چنین تفکیکی خواهد بود بهره‌برداری نشود. تجربه کشورهای مختلف نیز نشان داده است که صندوق بیمه نمی‌تواند هر دو نقش را به‌خوبی انجام دهد و ایفای نقش‌های مذکور به‌صورت توأم موجب غلبه یک نقش بر دیگری خواهد شد و اداره صحیح فعالیت‌های بیمه‌ای را به شکلی که عملیات بیمه‌ای کاملاً از فعالیت‌های نظارتی تفکیک شود با اشکال مواجه می‌سازد.

#### - درگیر شدن تنها نهاد نظارتی و عملیاتی مسئول بیمه کشاورزی با مسائل و مشکلات اجرایی

انجام امور اجرایی و برعهده گرفتن مسئولیت کلیه فعالیت‌های عملیاتی نظیر ارزیابی خسارت و پرداخت غرامت، باعث شده است که ظرفیت تنها نهاد مسئول بیمه کشاورزی با امور اجرایی و عملیاتی درگیر و مشغول شود و این فرصت به همان میزان از امور مهمتری نظیر سیاستگذاری، برنامه‌ریزی، نظام‌دهی، آسیب‌شناسی، مراقبت، پایش و تحلیل استراتژیک و اصلاح امور دریغ شود. مطابق اصول بدهی و پذیرفته شده امروزی و همچنین سیاست‌ها و راهکارهای برنامه‌های توسعه کشور، دولت و نهادهای دولتی صرفاً مجاز به ورود به عرصه‌هایی هستند که بخش خصوصی یا توان و تمایل ورود به آنها را نداشته یا انحصار قانونی برای آن حوزه پذیرفته شده باشد، در صورتی‌که درخصوص موضوع مورد بحث هیچ‌کدام از وضعیت‌های مذکور متصور نمی‌باشد.

بنابراین یکی از اصلاحات اساسی در حوزه مدیریت نظام بیمه کشاورزی حرکت به سمتی خواهد بود که در آن نقش‌های تولی‌گری و تصدیگری از همدیگر تفکیک شده و به‌صورت جداگانه‌ای مدیریت شوند.

#### ۴-۱. فقدان تقسیم کار مناسب در ارکان صنعت بیمه کشاورزی

چنانچه نظام بیمه محصولات کشاورزی را براساس حوزه‌های ذیمدخل و یا عناصر تأثیرگذار و تأثیرپذیر آن مفهوم‌سازی نماییم، گستره وسیعی از مؤلفه‌ها و عناصر و یا بازیگران متعدد را شامل می‌شود. در طرف تقاضا در بازار بیمه محصولات کشاورزی بازیگران عمده‌ای نظیر کشاورزان، دامداران، صیادان، مرغداران، صاحبان صنایع و حرف و مشاغل وابسته و تشکل‌های متعدد آنان مشاهده می‌شوند.

بنابراین در طرف عرضه خدمات بیمه کشاورزی، نهادهای مالی، بانک‌ها، سرمایه‌گذاران، صندوق‌ها و تشکل‌های سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی و یا خارج از آن و همچنین صندوق بیمه محصولات کشاورزی و بانک کشاورزی را باید به‌عنوان نهادهای بالقوه و یا بالفعل دانست که در این حوزه قابل طرح هستند. در طرف دیگر این معادله دولت و وزارت جهاد کشاورزی به‌عنوان متولی دولتی بخش کشاورزی در سطح ملی و استانداری‌ها و نهادهای دولتی محلی دیگری مشاهده می‌شوند.

نتایج علمی و تجربی نشانگر آن هستند که در معماری مدیریت یک نظام اقتصادی و یا اجتماعی، مشارکت و دخالت هدفمند و آگاهانه ذینفعان و بازیگران آن نظام نقش اساسی را داشته و یکی از شاخص‌های طراحی مناسب به حساب می‌آید. حال سؤال این است که آیا مأموریت‌ها، تکالیف، مسئولیت‌ها و فعالیت‌های نظام بیمه کشاورزی به‌صورت منطقی و عادلانه‌ای بین این بازیگران تقسیم شده است؟

در یک بررسی اجمالی و از نظر تقسیم کار و تقسیم مسئولیت‌ها بین ارکان و بازیگران بازار خدمات بیمه‌ای مشخص می‌شود که در وضعیت فعلی تمامی مأموریت‌ها و وظایف اعم از وظایف طراحی و سیاستگذاری، برنامه‌ریزی، اجرا، نظارت، تأمین مالی و وظایف بسترسازی، ترویج، آموزش، تحقیق و پشتیبانی برعهده صندوق بیمه محصولات کشاورزی و بانک کشاورزی گذاشته شده است.

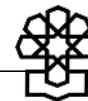
بررسی‌های تطبیقی انجام شده درخصوص نظام بیمه محصولات کشاورزی در سایر کشورها نشانگر آن است که در اکثر نظام‌های بیمه‌ای بخش قابل توجهی از مسئولیت‌ها و تکالیف برعهده نهاد دولتی مسئول بخش کشاورزی، صنعت بیمه، تشکل‌های کشاورزان و نظایر آن قرار دارد. لذا مشارکت و حضور هرچه بیشتر نهادها، سازمان‌ها و ذینفعان مختلف در اداره امور نظام بیمه محصولات کشاورزی موجبات تعامل، پویایی و کارآمدی این نظام را فراهم می‌آورد.

در وضع فعلی به‌رغم اینکه بیمه محصولات کشاورزی می‌تواند به‌عنوان یکی از ابزارهای مهم دولت در اعمال سیاست‌های حمایتی در بخش کشاورزی به حساب آید، وزارت جهاد کشاورزی هیچ‌گونه حوزه سیاستی یا کارشناسی فعالی در این خصوص سازماندهی نکرده است و یا اینکه در بین همه نهادها و بنگاه‌های مالی و بیمه‌ای کشور صرفاً بانک کشاورزی به‌عنوان یک بازیگر فعال در این عرصه به‌کار گرفته شده است.

#### ۵-۱. نبود سازوکار بیمه اتکایی

در صنعت بیمه و بیمه‌گری دنیا ساختاری تجربه شده و تکامل یافته است که در مدل نهایی خود بیمه اتکایی به‌عنوان عنصری اساسی و فعال شناخته شده است. فقدان چنین عنصری در ساختار





بیمه کشاورزی ایران، ارائه خدمات و پوشش بیمه‌ای طیف وسیعی از خطرات و یا ارائه تولیدات جدید بیمه‌ای نظیر بیمه عوامل تولید، سرمایه‌گذاری‌ها، صنایع جانبی و... را غیرممکن کرده است. بیمه اتکایی باعث می‌شود بیمه‌گر وگذارنده، ریسک خود را کاهش دهد، توانایی پرداخت دیون خود را بالا ببرد، سرمایه قابل دسترس خود را با کارآیی بالاتری به‌کاربرد و ظرفیت صدور بیمه را افزایش دهد. بیمه اتکایی به بیمه‌گر وگذارنده ریسک، کمک می‌کند تا به یک الگوی ریسک مطلوب دست یابد. با گسترش بیمه اتکایی اغلب شرکت‌های بیمه‌ای قادرند خدمات کمکی متنوعی از قبیل امور مربوط به پذیرش بیمه، اداره خسارات، امور اداری و خدمات فنی را هم ارائه دهند. نقش بیمه اتکایی از نظر فنی این است که با کاهش شدت نوسان در خسارت‌های مربوط به سهم نگهداری وگذارنده، او را در مقابل خطر ورشکستگی و برخورد با مشکلات مالی حفظ کند. بیمه اتکایی صرفاً یک کار تکنیکی است و وسیله‌ای است که شرکت بیمه با استفاده از آن خسارات سنگین ناشی از خطراتی را که پذیرفته است کاهش می‌دهد. اما تحصیل بیمه اتکایی برای محصولات زراعی از بازارهای بیمه اتکایی بین‌المللی گاه ممکن است دشوار باشد و اگر دشوار هم نباشد نرخ آن معمولاً بالاست، زیرا بیمه‌گران اتکایی به علت ناآشنایی با خطرات بخش کشاورزی ناچارند نرخ خود را بالا ببرند. همچنین به دلیل همین ناآشنایی بسیاری از بیمه‌گران اتکایی تنها براساس بیمه اتکایی مازاد خسارت برای خطرات فاجعه‌آمیز عمل می‌کنند و معمولاً از قبول بیمه اتکایی براساس سهم یا نسبت پرهیز می‌کنند.

بنابراین با توجه به ماهیت فعالیت‌های بیمه‌ای و نیز پیش‌بینی نکردن حوادث فاجعه‌بار طبیعی و بالطبع وقوع خسارت‌های هنگفت به‌ویژه در بخش کشاورزی و از طرفی لزوم برقراری تعادل منطقی بین منابع و مصارف هر شرکت بیمه‌ای به‌عنوان یک اصل پذیرفته شده به‌منظور دوام و استمرار فعالیت‌های آن، در اساسنامه صندوق بیمه از همان ابتدا پیش‌بینی‌های لازم صورت گرفته و دولت به‌عنوان یک پشتیبان مالی (اتکاگر بیمه‌ای) برای صندوق بیمه معرفی شده است (ماده ۳۳) اساسنامه). در واقع تأمین اعتبار مربوط به یارانه حق بیمه‌ها و مازاد خسارت‌ها به‌عهده دولت بوده و همه‌ساله در ردیف‌های بودجه‌ای پیش‌بینی می‌شود و دولت به‌عنوان بیمه‌گر اتکایی نسبت به صندوق بیمه عمل می‌کند. ولی با توجه به منابع محدود دولتی و لزوم توسعه هرچه بیشتر خدمات بیمه کشاورزی طبعاً این منابع در آینده جوابگوی تحقق اهداف و برنامه‌های توسعه‌ای و نیز ورود به عرصه‌های نوین بیمه‌ای نخواهد بود. لذا وجود بیمه اتکایی به‌عنوان یک پشتیبان مالی در بیمه کشاورزی به دلیل میزان زیاد خسارات وارده و وقوع حوادث فاجعه‌بار طبیعی پیش‌بینی نشدنی و اصولاً ماهیت ریسک در بخش کشاورزی، از ضروریات بوده و بدون اتکا به چنین سیستمی امکان پایداری مالی مجموعه و توسعه فعالیت‌ها فراهم نخواهد شد.

## ۶-۱. وجود محدودیت‌های قانونی

یکی از دلایل ایجاد چالش در بیمه کشاورزی ایران تدوین قوانین و برنامه‌های کلی توسط دولت است، به طوری که ادامه قوانین و بیان اهداف به صورت کلی و بی‌توجهی به جزئیات برنامه و مشخص نکردن وظایف سازمان‌ها و دستگاه‌های ذیربط به صورت یک مشکل قابل اعتنا درآمده است. این مشکل با توجه به گسترش پرشتاب فعالیت‌های صندوق بیمه نیازمند توجه بیشتری است چراکه نیل به اهداف دولت در بخش کشاورزی نیازمند مجموعه‌ای از الزامات قانونی و برنامه‌ای مشخص است. تا زمانی که حدود فعالیت‌های دولت در صنعت بیمه کشاورزی در آینده، وظایف هر یک از دستگاه‌های ذیربط از قبیل وزارت جهاد کشاورزی و معاونت‌های آن و سایر سازمان‌های ذیربط در زمینه همکاری با صندوق بیمه مشخص نشود، مسلماً صندوق بیمه در گسترش دامنه فعالیت‌های خود با مشکل مواجه خواهد بود و نخواهد توانست یک برنامه بلندمدت را که به استعدادهای و توانمندی‌های واقعی تخصصی و مالی صندوق بیمه مبتنی باشد، ارائه کند.

بدیهی است با توسعه بخش کشاورزی از نظام سنتی به نظام مدرن و نیز گستردگی عرصه‌های فعالیت و سرمایه‌گذاری بیشتر در امور تولیدی در بخش و در نتیجه بالا رفتن سطح توقعات و انتظارات مشتریان از اعمال سیاست‌های حمایتی در برقراری امنیت سرمایه‌گذاری، ضرورت ورود به عرصه‌های نوین بیمه‌ای از جمله بیمه عوامل تولید، بیمه سرمایه‌گذاری‌ها، بیمه درآمد، بیمه نوسانات قیمت و... پیش‌بینی شده که چنین مواردی در قانون بیمه محصولات کشاورزی عنوان نشده و لزوم بازنگری در قانون مذکور به منظور برآورد انتظارات مشتریان و توسعه طیف فعالیت‌های صندوق توصیه می‌شود.

## ۷-۱. فقدان ساختارها و نظام‌های واسطه‌ای، عملیاتی و کمکی

تسلط ساختار یکپارچه دولتی بر بیمه کشاورزی ایران و فقدان ظرفیت‌های نهادی و ساختاری لازم برای اموری نظیر انعقاد قرارداد، نظارت و ارزیابی خسارت در بسیاری از موارد مشکلات عدیده‌ای را برای صنعت بیمه کشاورزی ایجاد می‌نماید. تجارب جهانی نشان می‌دهد که در ساختار عملیاتی بیمه کشاورزی مشارکت اصناف، تشکل‌ها و نظام‌های واسطه‌ای بخش کشاورزی یکی از عوامل مهم توسعه بیمه در این کشورهاست. به‌عنوان مثال در کشور هندوستان تعاونی‌های روستایی نیز در زمره معتمدین شرکت بیمه محسوب می‌شوند و گواهی آنان در بروز خسارت‌های تحت پوشش بیمه پذیرفته می‌شود و یا در برخی از کشورها نمایندگان کشاورزان و یا اصناف مختلف بخش کشاورزی در شوراهای تصمیم‌گیری بیمه کشاورزی به صورت عضو رسمی فعالیت می‌نمایند. در سیستم بیمه کشاورزی ایران نظام تصمیم‌گیری و سیاستگذاری کاملاً دولتی است و کلیه عملیات اجرایی با دخالت و



نظارت مستقیم صندوق بیمه محصولات کشاورزی انجام می‌گیرد و نقش سایر ساختارهای عملیاتی متعلق به بخش کشاورزی کم‌رنگ و در برخی از موارد نیز نادیده گرفته شده است. لذا موضوع اخیر با توجه به گستردگی روزافزون فعالیت‌های بیمه کشاورزی و از طرفی افزایش سطح توقعات و انتظارات بخش کشاورزی می‌تواند به‌عنوان چالشی قابل توجه در مسیر توسعه آن قلمداد شود.

#### ۸-۱. عدم تنوع در تأمین منابع مالی

بیمه کشاورزی در همه کشورهای جهان فعالیتی سودآور محسوب نمی‌شود بلکه به کمک دولت و یارانه بخش کشاورزی متکی است، محدودیت‌های دولت در تأمین به‌موقع منابع مالی لازم برای توسعه خدمات بیمه‌ای ضرورت متنوع‌سازی منابع مالی را تبیین می‌کند. با توجه به ماهیت فعالیت‌های بیمه کشاورزی و میزان زیاد خسارات وارده تاکنون مازاد غرامت‌های پرداختی براساس پیش‌بینی‌های صورت گرفته در اساسنامه همواره توسط دولت تأمین شده است. درحال حاضر انباشت بدهی دولت بابت مازاد غرامت‌های پرداختی به صندوق بیمه رقمی حدود ۷۰۰۰ میلیارد ریال می‌باشد. از طرفی در قانون برنامه چهارم توسعه، بیمه ۵۰ درصد از فعالیت‌های بخش کشاورزی به صندوق بیمه تکلیف شده است که عملاً با توجه به کمبود منابع مالی امکانپذیر نیست. بنابراین به‌منظور توسعه خدمات و برآورد انتظارات مسئولان و بیمه‌گذاران بخش کشاورزی، تأمین منابع مالی لازم و متنوع کردن آن از ضروریات و الزامات است.

#### ۹-۱. مشکلات نظام پرداخت یارانه‌ای دولت

در بیمه‌های کشاورزی از آنجا که دولت‌ها به‌دلایل متعدد، حمایت از بخش کشاورزی را در دستور کار خود دارند چارچوب‌های بیمه‌گری لزوماً رعایت نمی‌شود و از این بابت به‌طور مستمر ارقام قابل توجهی در قالب کمک‌های بلاعوض و یارانه به این بخش از اقتصاد پرداخته می‌شود.

برنامه‌هایی مانند کمک‌های بلاعوض و یا یارانه‌های دولتی بر تقاضای بیمه‌ازسوی کشاورزان تأثیر منفی می‌گذارند چراکه دولت‌ها برای حوادث غیرمترقبه کمک‌هایی پرداخت می‌کنند.

اختصاص یارانه به بیمه محصولات کشاورزی می‌تواند آثار اجتماعی منفی به همراه داشته باشد و معمولاً قید یارانه‌ای که به نهاده‌ها تعلق می‌گیرد، اسراف کردن را به‌دنبال دارد. همچنین با آنکه هزینه‌های تولید با پرداخت یارانه کاهش می‌یابد در اغلب موارد هزینه از دست رفته ناشی از پرداخت یارانه بیشتر از ریسک، هزینه‌های ریسک را برای کشاورزان کاهش داده و درواقع یارانه ارزش واقعی اجتماعی ریسک را پایین می‌آورد.

اکثر ابزارهای مدیریت ریسک که مشمول یارانه دولتی هستند وضعیت خاصی را به‌وجود می‌آورند که در آن ریسک درآمدی کاهش و بازده انتظاری افزایش می‌یابد. در شرایطی که دولت به

بیمه یارانه‌ای می‌پردازد از آنجا که پرداخت‌های شرکت‌های خصوصی بیمه مستقیماً هزینه‌های فروش بیمه را جبران می‌کنند، این هزینه‌ها با کل حق بیمه پرداختی برابری نمی‌کند. به عبارت دیگر کل حق بیمه توسط دولت در قالب یارانه پرداخت شده است و هزینه جبران خسارت در طول زمان از حق بیمه پرداختی کشاورز فراتر می‌رود، در نتیجه خرید بیمه محصول یا درآمد، متوسط بازده را افزایش و ریسک را برای اکثر کشاورزان کاهش می‌دهد.

از آنجا که حق بیمه یارانه‌ای درصدی از حق بیمه‌های غیریارانه‌ای است، لذا کشاورزانی که در نواحی با ریسک نسبی بالا قرار دارند، باید با حق بیمه‌های غیررسمی بالاتری مواجه باشند. یکی دیگر از دلایل ناکارآمدی یارانه‌های دولت در حق بیمه، مخاطرات اخلاقی بیمه‌گران است. وقتی بیمه‌کنندگان می‌دانند که دولت به‌طور خودکار بسیاری از ضررها را تحت پوشش قرار می‌دهد، انگیزه کمتری برای دنبال کردن مسائل بیمه و محاسبه ضرر دارند.

#### ۱-۱۰. عدم استقلال مدیریتی صندوق بیمه محصولات کشاورزی و ابهام در جایگاه آن

طبق ماده (۲۷) اساسنامه صندوق بیمه، بانک کشاورزی به‌عنوان کارگزار اصلی صندوق بیمه معرفی شده است و عملیات اجرایی بیمه کشاورزی در حد کمی و کیفی توسط این بانک و شعب آن در سراسر کشور انجام می‌شود. لذا صندوق بیمه به تنهایی فاقد بدنه عملیاتی و شاخک‌های اجرایی در سطح استان، شهرستان و دهستان بوده و عملاً جایگاه صندوق بیمه در سطح مناطق تعریف شده نمی‌باشد. از طرفی با توجه به پشتیبانی مالی بانک کشاورزی از صندوق بیمه، افزایش میزان خسارت‌های وارده به بخش کشاورزی در سال‌های اخیر و بالطبع افزایش تعهدات مالی ناشی از پرداخت غرامت‌ها و نیز بدهی‌های معوقه دولت، این بانک را با چالشی جدی مواجه ساخته است. بنابراین سازمان صندوق بیمه در بالا از حیث عدم استقلال و داشتن مدیرعامل مختص به خود و از پایین به لحاظ فقدان بدنه عملیاتی کامل نیست.

بررسی ساختار نظام بیمه کشاورزی در اکثر کشورهای جهان بیانگر وجود جایگاه تعریف شده و مستقل برای نهاد بیمه‌ای دولتی و یا بعضاً وابسته به یک نهاد قدرتمند و یا درهم تنیده در ساختار صنعت بیمه آن کشورها می‌باشد که هیچ‌یک از حالات فوق‌الذکر در تبیین جایگاه صندوق بیمه محصولات کشاورزی در ایران مشاهده نمی‌شود و این یکی از مشکلات و چالش‌های اساسی در سطح راهبردی و مدیریت این نظام است.

#### ۲. عوامل رفتاری

مجموعه متغیرها و عواملی که از حوزه دانش، بینش، نگرش و رفتار فردی، گروهی و سازمانی و اخلاق و فرهنگ جمعی متأثر می‌شوند تحت عنوان عوامل رفتاری در مدل مورد بررسی نامگذاری



شده است. به عبارت دیگر عوامل فوق‌الذکر در حوزه‌های تأثیرگذار بر صنعت بیمه اعم از حوزه تقاضا که شامل کشاورزان و بهره‌برداران می‌باشد، حوزه عرضه که سازمان‌ها و نهادهای ذینفع و متولی صنعت بیمه کشاورزی را دربر می‌گیرد و حوزه مداخله‌گران و حامیان که شامل سیاستگذاران و مسئولان و مدیران دولتی و غیردولتی در محیط صنعت بیمه را دربر می‌گیرد وجود دارند که ویژگی‌ها و خصوصیت آنها می‌تواند کارکرد و کارآمدی نظام بیمه کشاورزی را تحت تأثیر جدی قرار دهد.

مهمترین چالش‌ها و موانع پیش‌روی صنعت بیمه کشاورزی در بُعد رفتاری به شکل زیر احصا شده‌اند:

#### ۱-۲. نگاه به بیمه کشاورزی به عنوان ابزار پرداخت‌های انتقالی دولت و حمایت مالی

یکی از عواملی که بیمه کشاورزی را از سایر بیمه‌ها متمایز می‌کند نوع نگاه مسئولین دولتی و بیمه‌گذاران به بیمه کشاورزی است. هم مسئولین و هم بیمه‌گذاران در این بخش، بیمه را ابزار حمایت مالی قلمداد کرده و تفاوتی بین پرداخت یارانه به تولیدکنندگان که غالباً با هدف کمک مالی به تولیدکننده و افزایش رفاه او صورت می‌گیرد با بیمه که یک قرارداد دوطرفه بین تولیدکننده به عنوان بیمه‌گذار و صندوق به عنوان بیمه‌گر است و با هدف مدیریت ریسک صورت می‌گیرد قائل نیستند. با این نگاه بیمه‌گذاران و مسئولین دولتی انتظار دارند در صورت بروز خسارت، تمامی آن پرداخت شود و ارزیاب، وقوع خسارت را حتی غیرواقع به عوامل تحت پوشش بیمه ربط دهد به‌گونه‌ای که امکان دریافت غرامت بیشتر از بیمه‌گر فراهم شود. همین امر عملاً ابزارهای کنترل خسارت و ریسک را توسط صندوق بیمه ناکارآمد می‌کند و فشارهای مالی را بر صندوق بیمه افزایش می‌دهد.

#### ۲-۲. عدم پذیرش چارچوب‌های اقتصادی، قراردادی و اصول بنگاهداری در صنعت بیمه کشاورزی

صنعت بیمه همانند سایر فعالیت‌های اقتصادی از چارچوب‌ها و قواعد خاص خود پیروی می‌کند. اصول و مبانی بیمه‌ای براساس قواعد و اصول علمی و فنی به‌گونه‌ای تعریف شده‌اند که علاوه بر ایجاد امنیت و حمایت از فعالیت‌های اقتصادی، شرکت بیمه‌ای را با فشارهای مالی مواجه نساخته و همواره زمینه‌های توسعه پایدار را برای آن فراهم کند.

روش مطلوب برای اطمینان از تأمین منابع بیمه در فرصتی کوتاه، طراحی اصولی تشکیلات بیمه است که براساس آن بیمه‌گر توان بالقوه تأمین منابع مورد نیاز را از داخل تشکیلات دارد و برنامه بیمه در جهت منافع کشاورزان با مدیریت خطر صحیح قدم برمی‌دارد. رعایت استانداردهای بیمه‌ای از نظر پوشش بیمه‌ای ریسک‌های بیمه‌پذیر، رعایت مبانی علمی در محاسبه ریسک و تعیین

تعرفه‌های بیمه‌ای، لزوم رعایت استانداردهای تولیدی توسط واحدهای بیمه شده، تعیین فرانشیز و لزوم تقبل بخشی از خسارت توسط بیمه‌گذار به دلیل ارتقای مدیریت تولید در واحدهای بهره‌برداری و... همگی در زمره اصول اولیه فعالیت‌های بیمه‌ای می‌باشند. بالطبع مقوله بیمه کشاورزی نیز از این قاعده مستثنا نبوده و به‌منظور تأثیر مثبت و افزایش مطلوبیت آن در فعالیت‌های کشاورزی باید استانداردهای گفته شده را در دستور کار خود قرار دهد، زیرا همان‌طور که قبلاً اشاره شد مدیریت ریسک، هدف اصلی بیمه کشاورزی و اصولاً صنعت بیمه می‌باشد که تنها در سایه چارچوب‌ها و اصول علمی دانش بیمه میسر خواهد شد.

### ۲-۳. تشویق و ترویج عملی ناکارآمدی و ناکارایی در تولید

یکی از مشکلاتی که به نوع نگاه غالب بیمه‌گذاران و مسئولین دولتی به بیمه کشاورزی برمی‌گردد نوع پرداخت یارانه به حق بیمه است.

توقع این است که میزان پرداخت یارانه روز به روز افزایش یابد و به همه تولیدکنندگان، خطرات و محصولات تعلق گیرد. تأمین این توقعات به معنی تشویق بیمه‌گذاران پرخطر و تولید در مناطق نامناسب و پرمخاطره می‌باشد و عملاً نوعی ترویج ناکارایی و ناکارآمدی در تولید خواهد بود. به‌علاوه براساس تجارب جهانی این‌گونه پرداخت یارانه بجای تشویق تولیدکنندگان به پذیرش و بهره‌گیری از تکنولوژی پیشرفته‌تر، استفاده از تکنولوژی ناکارآمد را مقرون به‌صرفه می‌نماید. از این‌رو جامعه نیز در قبال هزینه‌های پرداختی به تولیدکنندگان منفعتی را دریافت نمی‌کند. در صورت ادامه این وضعیت اصل پرداخت یارانه مورد سؤال قرار می‌گیرد و مشکلاتی را برای ادامه آن حتی در صورت امکان مالی دولت ایجاد و توسعه بیمه را با چالش روبرو خواهد ساخت.

### ۲-۴. مخاطرات اخلاقی

ماهیت تولید در بخش کشاورزی به‌گونه‌ای است که امکان بروز پدیده مخاطرات اخلاقی را در بیمه کشاورزی نسبت به بیمه‌های تجاری بیشتر فراهم کرده است به‌طوری که از مخاطرات اخلاقی در بیمه کشاورزی همواره به‌عنوان یکی از مشکلات جدی و آزاردهنده در کشورهای مختلف جهان نامبرده می‌شود.

مخاطرات اخلاقی بدین معناست که رفتار بیمه‌گذار پس از خرید بیمه به‌گونه‌ای تغییر یابد که بتواند بر بروز خطر و یا شدت آن اثر بگذارد. برای مثال بیمه‌گذار می‌تواند با کاهش مصرف برخی از داروهای ضروری یا رعایت نکردن بهداشت در واحدهای مرغداری و گاوداری و کم‌توجهی به ترکیب صحیح جیره غذایی در این واحدها، استفاده نکردن به موقع از سموم آفت‌کش در مزارع به امید اینکه بیمه خسارت وی را جبران خواهد کرد، احتمال بروز خطر را افزایش دهد. این درحالی



است که پی بردن به موقع به چنین اعمالی از طرف بیمه‌گر چندان مقدور نیست. بر همین اساس در بسیاری از موارد علت وقوع خسارت نیز به درستی قابل تشخیص نیست. اگر بیمه نتواند به‌طور درست این تغییرات رفتاری را تشخیص دهد، در نتیجه افزایش ضرر، نرخ حق بیمه پرداختی به اندازه‌ای افزایش می‌یابد که اجرای چنین بیمه‌ای خیلی گران تمام می‌شود. بیمه‌گر علاوه بر این باید قادر باشد که علت ضرر را تعیین کرده و بزرگی ضرر را بدون اتکا به اطلاعات به‌دست آمده از بیمه‌گذار تشخیص دهد و ارزیابی کند. برای بیمه عملکرد چندمحصولی، تشخیص اینکه ضرر در نتیجه خسارات طبیعی بوده یا در نتیجه مدیریت ضعیف، همیشه کار آسانی نیست. همچنین اندازه‌گیری بزرگی ضرر بدون اتکا به اطلاعات به‌دست آمده از کشاورز دشوار است.

#### ۵-۲. انتخاب نامناسب

مشکل انتخاب نامناسب هنگامی بروز می‌کند که کشاورزان دارای درجات متفاوتی از ریسک بوده و خود از وضع ریسک آگاه می‌باشند اما شرکت بیمه فاقد چنین اطلاعاتی است. وجود این مشکل سبب می‌شود تا شرکت بیمه ناچار به تعیین حق بیمه‌هایی شود که میزان آن برای کشاورزان کم‌ریسک بالا و برای کشاورزان پرریسک پایین باشد و یا شرکت بیمه در مقابله با مشکلات فوق درصدد فراهم آوردن پوشش بیمه‌ای متفاوتی برای بیمه‌گذاران باشد. اقدامات اشاره شده توسط شرکت بیمه نیز به معنی پدید آمدن نقایصی در بازار بیمه و در مواردی عدم شکل‌گیری بازار بیمه است که به معنی نقص و عدم کارآیی تخصیص منابع در اقتصاد آزاد بوده و دخالت دولت در این زمینه اجتناب‌ناپذیر می‌شود. محققان نشان داده‌اند که بازار بیمه مواجه با اطلاعات نامتقارن دارای طبقات ریسک متفاوت، قادر به تعادل با حق بیمه یکسان نخواهد بود و به سمت وضعیتی میل می‌کند که در آن صرفاً کشاورزان یا بیمه‌گذاران پرریسک پوشش کامل بیمه‌ای دریافت می‌نمایند و کشاورزان کم‌ریسک یا اصولاً از پوشش بیمه‌ای بهره‌مند نمی‌شوند و یا اینکه پوشش بیمه‌ای کاملی نخواهند داشت. این بدان معناست که وجود مشکل انتخاب نامناسب مانع تخصیص بهینه کامل و پیدایش بازار بیمه کامل در اقتصاد خواهد شد و بدین ترتیب سوء تخصیص منابع بروز خواهد کرد. وجود مشکل انتخاب نامناسب و مخاطرات اخلاقی موجب می‌شود که بیمه چندخطر محصول<sup>۱</sup>، مستلزم سرمایه‌گذاری قابل توجهی برای نظارت و به‌دست آوردن اطلاعات باشد که این سرمایه‌گذاری سبب هزینه‌بر بودن این‌گونه بیمه‌ها می‌شود.

مسائل انتخاب نامناسب و مخاطرات اخلاقی سبب شد که در آمریکا روی بیمه سطح زیرکشت کار شود. بیمه سطح زیرکشت برای کمبود سطح زیرکشت معین شده محصولات زراعی پرداخت

۱. بیمه چندخطر محصول: این بیمه چندین ریسک را با هم پوشش می‌دهد و بیشتر اوقات تگرگ را به‌عنوان پوشش پایه در نظر می‌گیرند.

می‌شود. بنابراین کشاورزان مجبور به تولید خواهند بود حتی اگر محصولشان مطلوب نباشد و انگیزه‌ای برای نابودی محصول وجود ندارد. همچنین در این بیمه نیازهای نظارتی و هزینه‌های معامله بسیار پایین است.

### ۳. عوامل زمینه‌ای (زیرساختی)

مجموعه‌ای از عوامل و شرایطی که به ماهیت فعالیت‌ها و محصولات بخش کشاورزی و ماهیت ریسک در کشاورزی برمی‌گردد تحت عنوان عوامل زمینه‌ای یا زیرساختی دسته‌بندی شده‌اند. البته اکثر عوامل مذکور را باید به‌عنوان واقعیت و نه مشکل قلمداد کرد ولی با این حال به‌لحاظ تأثیر انکارناپذیری که وضعیت عوامل مذکور بر صنعت بیمه کشاورزی دارند بررسی و تحلیل آنها به‌عنوان بستر و کانون اصلی فعالیت‌ها و طراحی و تغییر سیستم‌ها و نظام‌ها در انطباق با آنها ضرورتی محتمل و اجتناب‌ناپذیر است.

مهمترین عوامل و چالش‌های فراروی صنعت بیمه کشاورزی در بُعد زمینه‌ای و زیرساختی به‌شرح زیر است:

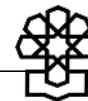
#### ۱-۳. نظام خرده‌مالکی، دهقانی و معیشتی روستاییان و کشاورزان و پراکندگی واحدهای تولیدی

با توجه به اینکه نظام بهره‌برداری غالب کشاورزی ایران از نوع دهقانی و کوچک است بالطبع بیشترین فعالیت بیمه‌ای نیز در قالب این نوع نظام شکل گرفته و اکثر بیمه‌گذاران در زمره خرده مالکین جای می‌گیرند. اندازه مزارع یکی از عوامل مهم در تصمیم‌گیری کشاورز برای خرید بیمه‌نامه‌هاست.

آنچه مسلم است نظام بهره‌برداری دهقانی، دارای سازمان و مدیریتی بسیار ابتدایی و ضعیف، اطلاعات، تکنولوژی و سطح توسعه‌ای بسیار پایین، اراضی حاصلخیز ولی خرد و پراکنده، جمعیت یا کارکنانی بی‌سواد و کم‌سواد و دارای بنیه مالی ضعیفند. بنابراین بیمه در چنین فضایی نمی‌تواند به‌عنوان یک فرهنگ نهادینه شده، بهره‌وری کافی را داشته باشد. به‌علاوه در این‌گونه نظام به‌علت تعداد زیاد بهره‌برداران، عدم مدیریت واحد، استفاده نادرست از منابع پایه و مدیریت ضعیف مزرعه، اجرای بیمه، کاری بس دشوار و متحمل هزینه‌های اجرایی بالایی خواهد شد. از طرفی به‌دلیل اعمال مدیریت‌های متفاوت در این‌گونه مزارع، بالطبع درصد خسارت‌های وارده نیز متنوع بوده و ارزیابی صحیح از آن نیازمند بازدید و برآورد تکتک مزارع خواهد بود و لذا کار ارزیابی خسارت را به‌ویژه در سطوح وسیع با مشکلات عدیده‌ای روبرو خواهد ساخت.

بالطبع با افزایش کارایی یا توان تولید بهره‌برداران، امکان بهره‌گیری از روش‌های نوین





کشاورزی، بهبود مدیریت مزرعه و سرمایه‌گذاری در امور زیربنایی و یکپارچه شدن اراضی زراعی، فعالیت بیمه کشاورزی و ایجاد امنیت تولیدکننده از این طریق، از مطلوبیت بیشتری برخوردار خواهد گشت و به دلیل کاهش هزینه‌های اجرایی آن و سودآوری بیشتر برای بیمه‌گر، شرکت بیمه را برای توسعه و تنوع خدمات خود و نیز ورود به عرصه فعالیت‌های جدید نظیر عوامل تولید و صنایع جانبی کشاورزی تشویق خواهد کرد.

### ۲-۳. ماهیت ریسک در بخش کشاورزی (از نظر شدت، تواتر و تنوع)

مهمترین موانع موجود در بیمه کشاورزی را می‌توان با بررسی ویژگی‌های ریسک‌های بیمه‌پذیر و مقایسه آن با ریسک‌های بخش کشاورزی بیان کرد. ویژگی‌های ریسک‌های بیمه‌پذیر به شرح زیر است:

#### - تعدد و تجانس ریسک

وجود تعداد زیادی از واحدهایی که در معرض خطر مشابهی هستند و همگن بودن نسبی آنها از نظر احتمال بروز خطر دو شرط لازم برای استفاده از آمار به منظور محاسبه احتمال بروز خطر و تخمین خسارات آتی و به تبع آن محاسبه حق بیمه با دقت کافی می‌باشد. به عبارت دیگر شرایط باید به گونه‌ای باشد که بیمه‌گذار بتواند واحدهای متقاضی بیمه را از لحاظ ریسکی بودن به درستی گروه‌بندی کند.

هرچه تعداد مواردی که در معرض خسارت قرار گرفته‌اند بیشتر باشد، احتمال اشتباه در پیش‌بینی خسارت واقعی رخ داده کمتر خواهد بود. جمع‌آوری تعداد زیادی از ریسک‌ها شرط لازم است ولی کافی نیست. احتمال وقوع ریسک‌های گردآمده باید از تجانس کافی نیز برخوردار باشند. در بیمه‌های بازرگانی اصل تعدد و تجانس ریسک‌های بیمه شده به سهولت قابل حصول است درحالی که در بیمه کشاورزی رعایت این اصل پیچیدگی‌هایی دارد. اولین مشکل، رسیدن بیمه‌گر کشاورزی به حد نصاب «تعدد» است. بیمه‌گران دو نوع ریسک‌های «خالص» و «خاص» را بیمه‌پذیر می‌دانند و ریسک‌های «سوداگرانه» را که در آنها تصمیم‌گیری‌های شخصی نقش عمده‌ای ایفا می‌کند و همچنین «ریسک‌های عام» را که سطح وسیعی از آحاد جامعه را تحت تأثیر خود قرار می‌دهند از شمول تعهدات خود خارج می‌سازند. اکثریت ریسک‌های بیمه کشاورزی، ریسک‌های «ناخالص» و «عام» هستند.

#### - پراکندگی ریسک

بیمه‌گر در مقابل پذیرفتن تعداد زیادی از ریسک‌های متجانس انتظار دارد که فقط بخشی از کل گروه متحمل زیان و خسارت شود، اگر کلیه اعضا یا قسمت عمده‌ای از آنها همزمان دچار خسارت

شوند، حق بیمه‌های دریافت شده برای جبران خسارت کافی نخواهد بود. به عبارت دیگر خطرات بیمه شده نباید باعث ایجاد خسارات فاجعه‌آمیز شوند. در بخش کشاورزی، قسمت عمده‌ای از خطرات تحت پوشش از این نظر ریسک‌های مطلوبی تلقی نمی‌شوند و از بین رفتن محصولات کشاورزی معمولاً خسارات زیادی ایجاد می‌کند که به هم وابسته‌اند. یعنی تعداد زیادی از کشاورزان در زمان مشخص دچار خسارت می‌شوند.

#### - اتفاقی بودن وقوع خسارات

ریسک زمانی بیمه‌پذیر است که بروز خسارت تصادفی باشد و به نوع عمل مدیر واحد تولیدی بستگی نداشته باشد، یعنی تغییر رفتار بیمه‌گذار پس از خرید بیمه نتواند احتمال بروز خطر و یا شدت آن را زیاد کند. به علاوه ریسکی بیمه‌پذیر است که در صورت وقوع بتوان علت وقوع، زمان وقوع و میزان خسارت را به درستی و با درصد بالایی از اطمینان مشخص کرد. در بیمه‌هایی از قبیل بیمه خودرو، بیمه منازل برای خطر آتش‌سوزی و از این قبیل تمام موارد فوق قابل دسترس و تشخیص می‌باشد در حالی که در بسیاری از موارد در بیمه کشاورزی به دلایلی از قبیل ماهیت تولید در بخش کشاورزی و امکان بروز پدیده مخاطرات اخلاقی (تغییر رفتار بیمه‌گذار پس از خرید بیمه به گونه‌ای که بتواند بر بروز خطر و یا شدت آن اثر بگذارد) و تعدد عوامل تأثیرگذار در بروز خسارت، انتخاب زیان‌آور یا گزینش نامناسب، تشخیص موارد مذکور با ابهامات بسیاری روبرو می‌باشد.

#### ۳-۳. فقدان یکپارچگی اراضی و شناسنامه مالکیتی و حقوقی مشخص برای اراضی و باغات

عدم شفافیت مالکیت به‌ویژه در زمین‌های زراعی و باغاتی که تحت پوشش بیمه قرار دارند به سبب مشکلات حقوقی زمین‌های کشاورزی در ایران و نیز وجود نظام‌های مختلف کشاورزی از قبیل کشت مشارکتی یا وجود زمین‌های مشاع، بعضاً تنظیم قراردادهای بیمه را با مشکل مواجه می‌سازد، چون مورد بیمه و مالک آن دقیقاً مشخص نیست. از سوی دیگر مشخص نبودن حریم زمین‌های کشاورزی و محدوده باغات و گاه قرار گرفتن چند واحد پرورش دام و طیور در یک منطقه، ارزیابی خسارت را با مشکل مواجه می‌سازد، چراکه احتمال نشان دادن یک مزرعه خسارت‌دیده یا طیور یک واحد مرغداری خسارت‌دیده به جای دیگری و بروز مخاطرات اخلاقی وجود دارد.

#### ۳-۴. فقدان نظام آماری و اطلاعاتی مناسب و نبود اطلاعات دقیق اقلیمی

یکی از مهمترین مشکلات پیش‌روی طرح‌های بیمه کشاورزی در ایران فقدان آمار و اطلاعات مناسب مورد نیاز این صنعت است. متأسفانه آمار موجود درباره بلایای طبیعی و میزان خسارات ناشی از



آنها بسیار پراکنده و غیرقابل اعتماد است. از سوی دیگر اطلاعات جمع‌آوری شده درباره میانگین تولید، عملکرد و سطح زیرکشت محصولات مختلف علاوه بر آنکه در بعضی مواقع غیرواقعی است برای تعیین نرخ‌های صحیح حق بیمه، کارآیی چندانی ندارند، به این دلیل که حق بیمه و غرامت‌ها برای کل کشور تعیین می‌گردد و تفاوت‌های روش‌های کشت، عملکرد و شرایط اقلیمی مناطق مختلف را کمتر مورد توجه قرار می‌دهند.

فقدان اطلاعات دقیق درباره شرایط آب و هوایی از دو جهت، بیمه کشاورزی را با چالش روبرو می‌سازد. یکی از این جهت که نمی‌توان میزان احتمال بروز بلایای طبیعی و میزان خسارات ناشی از آنها را با توجه به آمار گذشته پیش‌بینی کرد تا براساس آن حق بیمه‌های واقعی را تعیین کرد و دیگر آنکه تقسیم‌بندی اقلیمی بیمه‌گذاران را با مشکل مواجه می‌سازد.

این مسئله به این دلیل مهم است که یکی از راهکارهایی که در بسیاری از کشورهای جهان اعم از پیشرفته نظیر آمریکا و درحال توسعه مانند هند برای کاهش مخاطرات اخلاقی و ارزیابی صحیح خسارت‌ها در فعالیتهای بیمه در بخش زراعت و باغداری ارائه شده است جایگزینی بیمه تولید منطقه‌محور به جای بیمه تولید فردمحور است. همچنین در زمینه بیمه حوادث ناشی از تغییرات آب و هوایی از جمله سیل، طوفان و تگرگ نیز شرکت‌های بیمه کشاورزی در دنیا به سمت قراردادهای بیمه‌ای براساس شاخص‌های آب و هوایی به جای قراردادهای بیمه‌ای عملکردمحور حرکت کرده‌اند تا هم مشکل مخاطرات اخلاقی را برطرف کنند و هم ارزیابی خسارت و پرداخت غرامت را از اعمال نظرات شخصی فارغ کنند. فقدان اطلاعات منسجم آب و هوا و اقلیم ارائه چنین راهکارهایی در بیمه کشاورزی را با مشکل روبرو می‌سازد.

#### ۳-۵. ساختار نامناسب واحدهای تولیدی و نبود استانداردهای مناسب برای محیط‌های

##### تولیدی و دسته‌بندی آنها

یکی دیگر از مشکلات بیمه کشاورزی پراکندگی، کوچکی و تعدد واحدهای تولیدی در این بخش است. تعداد زیاد واحدهای تولیدی کوچک نه تنها عقد قرارداد را به لحاظ هزینه‌های بالای انسانی با مشکل مواجه می‌سازد بلکه در هنگام بروز خسارت نیز به خاطر لزوم بازرسی از تعداد زیادی از واحدهای آسیب‌دیده، هزینه‌های اجرایی طرح‌های بیمه افزایش می‌یابد. درحال حاضر یکی از مشکلات بیمه کشاورزی در ایران عدم تعریف محیط‌های استاندارد تولید در بخش کشاورزی و عدم نظارت لازم از سوی سازمان‌های ذیربط بر اجرای آن حتی در موارد تعریف شده است. گرچه صندوق بیمه کشاورزی سعی کرده است با تعیین شرایطی در قراردادهای بیمه تا حدودی شرایط استاندارد تولید را به صورت غیرمستقیم تعریف کند، لکن این کافی نیست. ایجاد محیط‌های

استاندارد تولید در بخش‌های مختلف کشاورزی نیاز به همکاری‌های گسترده و تعریف شده بین سازمان‌های ذیربط دارد. در عین حال تعقیب رویکرد استانداردسازی محیط تولید در فعالیت‌های دام و طیور و آبریزان به نظر عملی می‌رسد گرچه در بیمه فعالیت‌های زراعی و دامی باید تجارب دیگر جهانی را مورد توجه قرار داد.

### ۳-۶. ضعف نظام‌های پایش و مراقبت در جهت کنترل امراض و بیماری‌ها

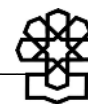
یکی از مشکلات عمده در بیمه کشاورزی وجود تعداد زیادی از بیماری‌ها و آفات است که واحدهای مورد بیمه را تهدید می‌کند. تعداد آفات و امراض از یکسو و عدم مدیریت صحیح مبارزه توسط بیمه‌گذاران و نداشتن یک برنامه مشخص برای پیشگیری از بروز این خطرات ازسوی دیگر، میزان خسارت‌های وارده به بخش را به شدت افزایش می‌دهد. مشکل اساسی اینجاست که پیشگیری از بسیاری از بیماری‌ها و آفات برای یک کشاورز به تنهایی مقدور نیست و نیازمند کمک دستگاه‌ها و سازمان‌های ذیربط است. در این زمینه سازمان‌های کشاورزی و دامپزشکی مناطق باید همکاری لازم را در زمینه پیش‌بینی نوع خطرانی که بروز خواهد کرد با توجه به اطلاعات سال‌های گذشته و نیز راهکارهای پیشگیری از بروز خطرات و همچنین در اختیار قرار دادن ملزومات مورد نیاز برای مبارزه و پیشگیری داشته باشند. اهمیت این مسئله از آنجا ناشی می‌شود که یکی از مشکلات موجود در بیمه کشاورزی که تصادفی بودن بروز خسارت را در فعالیت‌های کشاورزی خدشه‌دار می‌کند این است که بروز خسارت در این‌گونه فعالیت‌ها تحت تأثیر نحوه انجام وظایف سازمان‌های مذکور در بخش کشاورزی است.

### ۳-۷. فقدان تعریفی مشخص از محصولات اساسی و استراتژیک و دسته‌بندی محصولی در

#### سیاستگذاری و برنامه‌ریزی کلان دولت در بخش کشاورزی

همان‌طور که در قسمت قبلی ذکر شد در هیچ‌یک از کشورهای جهان همه محصولات کشاورزی تحت پوشش بیمه قرار ندارند، بلکه در هر کشور متناسب با وضعیت اقلیمی و شرایط کشاورزی و همچنین سیاست‌های اقتصادی آن کشور تعدادی از محصولات کشاورزی به‌عنوان محصولات استراتژیک و اساسی تعریف و دسته‌بندی شده و تحت پوشش سیاست‌های حمایتی در بخش کشاورزی قرار می‌گیرند.

به‌عبارت دیگر سبب حمایتی و یارانه‌ای بخش کشاورزی هر کشور صرفاً تعداد محصول خاصی را انتخاب و به طرق مختلف مورد حمایت قرار می‌دهد که یکی از روش‌های حمایتی مؤثر نیز بیمه می‌باشد. تعیین نوع و تعداد محصولی خاص توسط نهاد متولی بخش کشاورزی برای حمایت‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت موجب می‌شود تا نهاد متولی بیمه محصولات کشاورزی نیز تکلیف



خود را دانسته و بتواند سیاست‌ها و برنامه‌های خود را براساس آن تنظیم و اجرا کند. یکی از مشکلات نظام بیمه محصولات کشاورزی در ایران فقدان تعریف و دسته‌بندی محصولات اساسی و استراتژیک در چارچوب سیاستگذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های کلان بخش کشاورزی است و این امر موجب شده است تا هر از چند گاهی و براساس ایجاد و یا حذف متغیرها و یا عوامل خاصی و به‌وجود آمدن و یا از بین رفتن شرایط و حتی تغییرات دولت و یا وزرای کشاورزی، نمایندگان مجلس و یا استانداران، فشارها برای حمایت خاص بیمه‌ای از یک محصول افزایش یافته و یا از بین برود. لذا انتخاب محصول به‌عنوان یک عمل آگاهانه و فنی از طرف نهاد بیمه‌گر مخدوش شده و بدین ترتیب پایه مدیریت ریسک بر مبنای غیرفنی استوار شده است و عملکرد سازوکارهای واقعی بازار خدمات بیمه‌ای دچار انحراف و از مسیر طبیعی و واقعی خود خارج می‌شوند.

۸-۳. نبود مشوق‌ها و شرایط مطلوب برای ورود بخش خصوصی به خدمات بیمه‌ای در

### بخش کشاورزی

فراهم کردن زمینه مشارکت بخش خصوصی در فعالیت‌های بیمه کشاورزی در شرایط کنونی ایران منحصر به حوزه‌های مشخص و محدودی است که عمدتاً در قالب عملیات کارگزاری می‌گنجد. طبیعی است که در شرایط عملیات کنونی کشاورزی ایران و به‌ویژه با توجه به مخاطرات طبیعی جدی موجود در کشور، بخش خصوصی رغبتی به حضور مستقل و بی‌واسطه در عرصه بیمه کشاورزی نداشته باشد، زیرا قابل تصور نیست که بخش خصوصی در وضعیت کنونی نظام کشاورزی کشور بتواند از طریق تعریف تعرفه‌هایی معقول و قابل وصول، در مقیاس عملیاتی که (هم از حیث تعداد بیمه‌گذاران و هم از حیث اقلام تحت پوشش) از بُعد اقتصادی توجیه‌پذیر باشد، به‌طور مستقل و در چارچوب اقتصاد بازار در عرصه بیمه کشاورزی حضور یابد. به سخن دیگر بخش خصوصی توان و ظرفیت اداره ریسک‌های کشاورزی مخصوصاً ریسک‌هایی مانند خشکسالی را ندارد، زیرا این‌گونه ریسک‌ها با معیارهای ریسک‌های بیمه‌پذیر منطبق نیستند.

مشارکت فعال بخش خصوصی در زمینه بیمه کشاورزی اساساً از طریق همکاری این بخش با دولت در عرصه «مدیریت بیمه کشاورزی» میسر می‌شود. در حال حاضر بخش خصوصی به‌خوبی قادر است که در زمینه مدیریت بیمه، به‌ویژه عقد قراردادهای بیمه، ارزیابی و برآورد خسارات، آموزش کارشناسان و متخصصان مورد نیاز و نظارت و ارزشیابی عملیات، حضوری فعال و پرثمر داشته باشد. به‌نظر می‌رسد با استفاده از خدمات بخش خصوصی در عرصه بیمه محصولات کشاورزی، ضمن رسیدگی سریع و پرداخت به‌موقع غرامت‌ها، از طریق گسترش عملیات اطلاع‌رسانی و تبلیغات گام‌های بلند و مؤثری در زمینه توسعه بیمه کشاورزی در کشور برداشته

خواهد شد. البته در آینده با ایجاد تغییرات متناسب در ساختار فعالیت‌های اقتصادی و طراحی و تدوین سازوکارهای لازم، شرایط فعالیت مستقل بخش خصوصی در بیمه کشاورزی فراهم خواهد شد. در این زمینه می‌توان به‌طور کلی شرایطی را تصور کرد که طی آن یارانه هدفمند دولتی برای بیمه و جبران خسارت به‌صورت سهم دولت با سازوکارهای معین در اختیار بیمه‌گران خصوصی قرار گیرد و برای سهم تولیدکنندگان (بیمه‌گذاران) با استفاده از قواعد و ضوابط درخور توجه، حق بیمه مناسب تعریف و عملیات بیمه‌ای در چارچوب‌های مناسب و معقول (برای مثال به‌صورت بیمه‌های تک‌خطر و تک‌محصول) به‌طور مستقل توسط بیمه‌گران خصوصی انجام شود.

### ۹-۳. ضعف پژوهش‌ها و تحقیقات پایه در خصوص رشد گیاهان در شرایط مختلف آب و هوایی

تأثیر شرایط مختلف محیطی (خطرات قهری و طبیعی) بر عملکرد و میزان رشد گیاه در هریک از مراحل مختلف رشدی از مقوله‌هایی است که به‌منظور ارزیابی صحیح از میزان و شدت خسارت‌های وارده در اثر عوامل جوی کاربرد فراوانی در فرآیند بیمه محصولات کشاورزی دارد. استانداردهای ارزیابی خسارت و تدوین دستورالعمل‌های فنی برای این منظور در محصولات کشاورزی نیازمند داشتن اطلاعات دقیق مبتنی بر یافته‌های تحقیقاتی از مکانیسم تأثیر عواملی همچون سیل، تگرگ، سرما، یخبندان و... در مراحل مختلف رشد گیاهان و محصولات زراعی است. ضعف اطلاعات و پژوهش‌های انجام شده در زمینه‌های فوق به‌طور گسترده و به تفکیک محصولات مختلف کشاورزی از جمله موانعی است که عملیات ارزیابی صحیح خسارت را با چالشی جدی مواجه ساخته و موجبات اعمال سلیقه‌های مختلف کارشناسی را در این امر فراهم می‌کند. از طرفی پهنه‌بندی اقلیمی کشور از دیدگاه بیمه‌ای و محاسبه ضریب ریسک در پهنه سرزمین به‌منظور ارزیابی صحیح از درصد احتمال وقوع خطر و بالطبع تعیین تعرفه‌های متناسب با هریک از اقلیم‌های مختلف ایران از دیگر عرصه‌هایی است که با توجه به توسعه روزافزون فعالیت‌های بیمه‌ای در کشور باید بیشتر مورد توجه سازمان‌ها و مؤسسات تحقیقاتی ذیربط قرار گیرد.

### جمع‌بندی

در حوزه‌های تأثیرگذار بر صنعت بیمه کشاورزی ضعف‌ها، کاستی‌ها، تهدیدات و خلأهایی وجود دارد که به‌عنوان علت وجودی موجب پیدایش معلول‌هایی شده‌اند که آثار آنها در قالب بحران‌های پنهانی در بیمه کشاورزی خودنمایی کرده و باید برای آنها چاره‌جویی شود تا پایداری این صنعت مهم و توسعه و تکامل آن تضمین شود. در نمودار ۳ دلایل و پیامدهای شرایط موجود و در جدول ۷ نیز محدودیت‌های موجود و شرایط مطلوب به اختصار بیان شده‌اند:



### نمودار ۳. خلاصه دلایل و پیامدهای شرایط موجود در بیمه محصولات کشاورزی



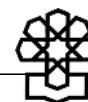
## جدول ۶. وضع موجود و وضع مطلوب در صنعت بیمه کشاورزی ایران

وضع مطلوب	وضع موجود
ترکیب بهینه‌ای از ارائه بیمه محصول، بیمه عوامل تولید، سرمایه‌گذاری‌ها، ابنیه، تأسیسات و...	محدود بودن به ارائه پوشش بیمه‌ای محصول
ترکیب بهینه‌ای از ارائه بیمه بر مبنای عملکرد فردی و بیمه بر مبنای عملکرد گروهی و منطقه‌ای	محدود بودن به ارائه بیمه بر مبنای عملکرد فردی
بیمه اختیاری و اعمال بیمه اجباری در محصولات استراتژیک و یا وابسته به اعتبارات	محدود بودن به ارائه بیمه اختیاری
حضور فعال بیمه خصوصی (مشارکت بخش خصوصی) همراه با بیمه دولتی	بیمه دولتی
بیمه تولید و بیمه درآمد	بیمه تولید
تفکیک نقش حاکمیتی از نقش تصدیگری در عرصه بیمه کشاورزی	وجود نقش همزمان حاکمیتی و تصدیگری در عرصه بیمه کشاورزی
استانداردسازی ارزیابی خسارت و بهره‌گیری از فناوری‌های جدید	ارزیابی خسارت بر اساس نظرات کارشناسی
متنوع‌سازی منابع مالی	تکیه صرف بر منابع مالی دولتی
بهره‌گیری از ساختار تشکیلاتی مستقل	عدم استقلال مدیریتی
بهره‌گیری از سازوکار مناسب بیمه اتکایی	نبود بیمه اتکایی

## پیشنهادها

- تفکیک وظایف حاکمیتی از تصدیگری در بیمه کشاورزی و تبدیل صندوق بیمه به شرکت مادر تخصصی.
- بازتعریف مأموریت، اهداف و حدود عملیات صندوق بیمه به منظور ورود به عرصه‌های جدید نظیر بیمه عوامل تولید، ابنیه، تأسیسات، سرمایه‌گذاری اشخاص حقیقی و حقوقی، صنایع و فرآورده‌های کشاورزی، شاغلین بخش و...
- سوق‌دهی ساختار بیمه کشاورزی به سمت عدم تمرکز و تشکیل صندوق‌های استانی.
- زمینه‌سازی و ایجاد سازوکارهای حمایتی لازم به منظور ورود بخش خصوصی به حوزه بیمه کشاورزی.
- ایجاد ساختار بیمه اتکایی از طریق تشکیل یک شخصیت حقوقی با مشارکت سازمان تعاون روستایی، صندوق توسعه سرمایه‌گذاری بخش کشاورزی، بانک کشاورزی، شرکت مادر تخصصی خدمات کشاورزی، شرکت مادر تخصصی تولید کشاورزی و سایر سازمان‌ها و نهادهای ذیربط.
- تقویت بنیه مالی صندوق بیمه کشاورزی از طریق افزایش سرمایه دولت در صندوق مذکور و





- ایجاد ردیف خاص و مستقل برای جبران خسارات در بخش کشاورزی و کاهش شدت ریسک.
۷. متنوع‌سازی منابع تأمین مالی صندوق بیمه محصولات کشاورزی از طریق ایجاد و وضع عوارض بر صادرات و واردات محصولات، نهاده‌های کشاورزی و واحدها، صنایع و فعالان عمده بخش.
۸. سوق‌دهی سیاست‌های یارانه‌ای بخش کشاورزی به سمت بیمه کشاورزی و افزایش سهم یارانه‌های بیمه در سبد یارانه‌های بخش کشاورزی.
۹. تدوین ضوابط و معیارهای فنی به‌منظور سطح‌بندی و درجه‌بندی واحدهای تولیدی و متقاضیان خرید خدمات بیمه‌ای.
۱۰. پهنه‌بندی اقلیمی مناطق مختلف کشور از دیدگاه بیمه کشاورزی.
۱۱. توسعه و ترویج فعالیت‌های فرهنگ‌سازی و آموزش فنی و تخصصی شاغلان بیمه کشاورزی با هدف ارتقای بهره‌وری سرمایه‌های انسانی.
۱۲. ایجاد رشته تخصصی بیمه کشاورزی در دوره‌های تکمیلی در نظام آموزش رسمی کشور به‌منظور تربیت نیروی متخصص در این زمینه.
۱۳. الزام دولت به طراحی، استقرار و مدرن‌سازی شبکه‌های پیش‌آگاهی و مراقبت و تشکیل ساختار مدیریت بحران در بخش کشاورزی.
۱۴. ایجاد واحد یا نظام تحقیقاتی خاص بیمه کشاورزی در ساختار تحقیقات کشاورزی.
۱۵. اعمال بیمه اجباری برای محصولات استراتژیک.
۱۶. اتخاذ سازوکارهای لازم به‌منظور افزایش تعامل بین صندوق بیمه محصولات کشاورزی با صنعت بیمه کشور و فراهم شدن زمینه توسعه همکاری‌های متقابل.
۱۷. فراهم‌سازی زمینه‌های لازم به‌منظور بهره‌گیری بیشتر از فناوری‌های نوین و سیستم‌های نرم‌افزاری پیشرفته در جهت ارائه خدمات مکانیزه بیمه‌ای.

## منابع و مأخذ

۱. قانون بودجه سال ۱۳۹۱ کل کشور.
۲. قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۰-۱۳۹۴).
۳. گزارشات صندوق بیمه محصولات کشاورزی، ۱۳۹۱.
۴. قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت.
۵. گزارش بانک جهانی در سال ۲۰۱۰.
۶. اساسنامه صندوق بیمه محصولات کشاورزی.



مرکز پژوهش‌ها  
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۲۷۶۸

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: بررسی اجمالی وضعیت بیمه محصولات کشاورزی در ایران (چالش‌ها و راهکارها)

نام دفتر: مطالعات زیربنایی (گروه کشاورزی و منابع طبیعی)

تهیه و تدوین‌کنندگان: الهه سلیمانی، حمیدرضا معماریان

ناظر علمی: محسن صمدی

متقاضی: معاونت زیربنایی

ویراستار تخصصی: الهه سلیمانی

ویراستار ادبی: فرزاد جعفری

واژه‌های کلیدی:

۱. بیمه

۲. کشاورزی

تاریخ انتشار: ۱۳۹۱/۱۰/۳۰